

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي کارگری ایران

حاصل اتحاد تاريخی کارگران سنديگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۴ / سال هفتم / دی ماه ۹۶ / نشریه سنديگاهاي کارگری ایران



سنديگای کارگران
نقاش و تزئينات
تاسيس: ۱۳۴۸



اتحاديه
نيروی کار
پروژه‌ای



در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحد های تولیدی سراسر کشور ص ۹

چرا اعتصاب در پروژه ها به موفقیت نمی رسد؟ ص ۳۰

کودتا ها، برای خصوصی سازی ص ۳۱

گفتگوی کارگران پروژه ای با خبرنگار پیام سندیکا ص ۳۷

بنام دادخواهی و بنام باکی و راستی ص ۴۲

خبرنگاران پیام سندیکا از شرایط کار در تنگان می گویند! ص ۴۳

تسلیمت ص ۴۴

از اعتصابات کارگری بیاموزیم! ص ۴۶

سهمداران کارگر، قربانی فساد شبکه اقتصادی کشور ص ۴۷

دروغ به کارگران سرزمینم..... ص ۴۹

بی قانونی سکه رایج روز! ص ۵۱

مناظره خواندنی فیدل کاسترو با پاپ زان بل دوم ص ۵۲

واقعیت تلخ ص ۵۳

شعرهای کارگری ص ۵۴

کاش جامعه ما از چنین مریان تعلیم و تربیت بیشتر داشت ص ۵۷

روز اول دسامبر بود ص ۵۸

شب سردی بود... ص ۵۹

جولیا از درخت پایین آمد! ص ۶۰

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۶۱

پیدایش و تکامل حیات ص ۶۳

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

ما تسلیم سیاست های ضد کارگری نخواهیم شد!

طبقه کارگر ایران روزهای مشقت باری را از سر می گذراند و فشار مضاعف سیاست های تحمیلی از سوی سرمایه داری خارجی، کارفرمایان داخلی، و نهادهای امنیتی او را محاصره کرده اند.

نهادهای امنیتی با لجبازی، رضا شهابی را به زندان کشیده، شرایطی فراهم می کنند که او دست به اعتصاب غذا بزند و بعد از اتمام اعتصاب غذا، با ندادن امکانات پزشکی جسم نحیف او را به سمت سگته پیش بردند.

شرکت هفت تپه را به کسانی فروخته اند که از پس بیمه و حقوق کارگران بر نمی آیند. کارگران به جان رسیده را وادار به اعتصاب می کنند و پس از برخورد های سرکوب گرایانه، قول های بی پشتوانه می دهند.

شرکت های پیمانکاری در پروژه های نفتی که از سوی مافیای مالی پشتیبانی می شوند، لیست بیمه کارگران را به تامین اجتماعی رد نمی کنند، تا کارگران تا آخر عمر مجبور به کار باشند. حقوق کارگران را بیش از شش ماه نپرداخته و فعالین این کارگران را در لیست سیاه قرار داده و اخراج می کنند. تا بیکاری حربه ای باشد برای پایین آوردن دستمزدها و کاهش خدمات رفاهی و ایمنی در پروژه های نفتی تا کارگران برده وار کار کنند و اعتراضی نباشد.

تحمیل سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به ایران برای حذف دستاوردهایی چون بیمه، بازنشستگی، دستمزدهای مناسب، خصوصی سازی و محدود کردن فعالیت سندیکاهای کارگری با دستگیر و زندانی کردن کوشندگان، همگی بنیان هایی است که منجر به سگته رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اعتصاب در نیشکر هفت تپه و بی حقوقی کارگران پروژه ای شده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن هشدار در مورد جان رضا شهابی آزادی بی قید و شرط او را خواستار است.

سیاست های غلط اقتصادی دولت ها بزرگترین بنگاه تولیدی نیشکر را در خاورمیانه نابود و کارگران نیشکر هفت تپه را به جای تولید، سرگردان فرمانداری و خیابان ها کرده است. ما ضمن حمایت بی دریغ از کارگران و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام می کنیم از هیچگونه کمکی به خواهران و برادران خود دریغ نخواهیم کرد.

مافیای مالی بداند که با گرسنگی دادن به کارگران پروژه ای نمی تواند برادران ما را به برده هایی رام تبدیل کند. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران تمام امکانات خود را برای پشتیبانی از این کارگران و خانواده هایشان بکار خواهد انداخت.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۵ آذر ۱۳۹۶

«نمایندگان سندیکا‌های کارگری یا نمایندگان کارگران حق دارند در محل کار خود بدون دخالت یا نظارت مقامات دولتی و کارفرمایان مسوولیت های خود را پی گیرند و مادام که به فعالیت های سندیکایی خود مشغولند ، نباید مشمول هر نوع جریمه، تنبیه یا توبیخ شوند. مقامات دولتی یا کارفرمایان حق ندارند از ورود نمایندگان سندیکا‌های کارگری در انجام وظایف خود به خانه های سازمانی جلوگیری کنند.»

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

برای نجات جان همکار زحمتکش و حق طلب سندیکایی، رضا شهابی که به دلیل دفاع از حقوق کارگران برایش پرونده سازی شده و هم اکنون در زندان رجایی شهر حالش وخیم است و طی ده روز گذشته دوبار سخته مغزی کرده است، همسرش را حمایت کنیم.



نامه همسر رضا شهابی

طی دو هفته گذشته، همسرم کارگر زندانی رضا شهابی ۲ بار در زندان رجایی شهر دچار سخته مغزی شده است. و همچنان وضعیت جسمانی ایشان وخیم بوده و از اعزامش به بیمارستان برای درمان ممانعت می کنند. پیش از اینکه همسرم سخته کند جراح مغز و اعصاب رضا، اعلام نموده بود که رضا شهابی توان تحمل زندان را ندارد. همسرم از ۱۸ مرداد با وجود اینکه دوره محکومیت حبسش به پایان رسیده است همچنان به ناحق در زندان نگهداری می شود. به سبب اینکه وزیرکار متولی و مسئول امور کارگران می باشد برای پیگیری وضعیت رضا شهابی ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۵ دی ماه به وزارت کار مراجعه خواهم کرد.

ربابه رضایی همسر رضا شهابی

همدستی عوامل وزارت کار در ضرب و شتم و سرکوب همراهان همسر شهابی مقابل وزارت کار محکوم است.

امروز پنجم دیماه ، ربابه رضایی همسر رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که در زندان رجایی شهر محبوس است و تا کنون دوبار سخته مغزی کرده و عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت این کارگر زندانی باعث شد همسرش به وزارت کار مراجعه کند تا بلکه از طریق این وزارت خانه شرایط رسیدگی برای این کارگر زندانی فراهم شود، تعدادی از اعضای سندیکای واحد و دانشجویان و دیگر فعالین کارگری و اجتماعی بواسطه نگرانی از وضعیت جسمانی شهابی، همسر این کارگر زندانی را همراهی می کردند. قبل از ورود خانم شهابی به محل وزارت کار عوامل امنیتی و عوامل وزارت کار با همراهی پلیس ضدشورش با شدت تمام اقدام به ضرب و شتم کارگران و دانشجویان کردند که حسن سعیدی از اعضای این سندیکا به علت ضربات وارده از سوی مامورین وزارت کار به اورژانس شریعتی برده شد و ۵۱ تن از معترضین به همراه خانم شهابی توسط نیروهای لباس شخصی و امنیتی به زندان اوین منتقل شدند و سعیدی هم بعد از معاینه از بیمارستان با دستبند و پابند به اوین منتقل شد. هرچند که بعد از چند ساعت همگی بدون قید و شرط آزاد شدند اما جای تاسف دارد که مسنولین وزارت کار نه تنها پذیرای مراجعین نشده اند بلکه با باتوم و ضربات مشت و لگد به کمک پلیس ضدشورش آمده اند و با خشونت و وحشیانه رانندگان و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

سندیکای کارگران شرکت واحد خواستار رسیدگی پزشکی به وضعیت جسمانی کارگر زندانی رضا شهابی است و هرگونه سهل انگاری و بی توجهی در خصوص اوضاع جسمانی کارگر زندانی شهابی را متوجه مسنولین زندان و قوه قضائیه میداند و قویا برخورد و ضرب و شتم کارگران و دانشجویان را که جهت رسیدگی به وضعیت نگران کننده رضا شهابی در مقابل وزارت کار جمع کرده بودند محکوم می کند و خواستار آزادی بی قید شرط رضا شهابی و تمامی زندانیان کارگری و صنفی می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

۵ دیماه ۱۳۹۶

آخرین وضعیت محکومیت پرونده ابراهیم مددی و داود رضوی دو عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد



دوازدهم آذر دادگاه تجدید نظر ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب برگزار شد.

ابراهیم مددی که کهولت سن دارد از بیماری پروستات و قند خون و عدم شنوایی گوش چپ رنج می برد و در گوش راست از سمعک استفاده می کند. با این وجود همچنان تحت تعقب و مراقبت قضایی - امنیتی قرار دارد و به دلیل فعالیت های سندیکایی و دفاع از حقوق کارگران، برایش پرونده سازی قضایی صورت گرفته است.

روز سیزدهم آبان ماه دادگاه تجدید نظر داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در شعبه ۳۶ این دادگاه برگزار گردید، این دادگاه برای این فعال سندیکایی درحالی برگزار شد که وکیل نامبرده آقای نیکبخت در همان روز باید در دادگاهی دیگر حاضر می شد و این تداخل باعث شد که آقای صالح نیکبخت وکیل رضوی نتواند در دادگاه تجدید نظر حاضر شود هرچند که دو روز قبل مدارک تداخل دو دادگاه را به شعبه ۳۶ ارائه کردند و درخواست تعدد تاریخ دادگاه تجدید نظر را داشتند اما متأسفانه مورد قبول دادگاه واقع نشد و به تقدیم لایحه دفاعی به دادگاه اکتفا کردند، دادگاه تجدید نظر راس ساعت ده صبح در حالی آغاز شد که قاضی و مدعی العموم حضور نداشتند و آقای رضوی ضمن ارائه لایحه دفاعی که توسط وکیل آقای صالح نیکبخت تنظیم گردیده بود خودشان هم با پاسخ به سوالات دادگاه به دفاعی پرداختند و اظهار کردند که فقط در دفاع از حقوق همکارانش و کارگران تلاش کرده اند و اتهامات اجتماع و تبانی علیه امنیت را نمی پذیرند و قبول ندارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ۲ دیماه ۱۳۹۶

اعتراض گسترده کارگران نیشکر هفت تپه

امروز شنبه ۱۸ آذر کارگران بخش کشاورزی به همراه دیگر کارگرانی که بیش از یک سال است که بازنشسته شده اند دست به اعتراض زدند. این اعتراض بصورت گسترده در سطح شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه صورت گرفت و تعداد زیادی از کارگران در این اعتراض شرکت داشتند. کارگران بخش کشاورزی بیش از چهار ماه است که دستمزدهای معوقه داشته و همچنین دفترچه بیمه این کارگران به دلیل عدم پرداخت حق بیمه از طرف کارفرما تمدید نمی شود. بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران معترض به این بی حقوقی ها در این اعتراض گسترده حضور داشتند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست و مطالبات به حق کارگران، خواستار آن می باشد سریعاً نسبت به خواست کارگران رسیدگی و مطالبات آنها پرداخت شود. ما معتقدیم که تنها با اعتراض و اعتصاب های کارگری و با نیروی متحد و متشکل می شود در مقابل این بی حقوقی ها ایستادگی کرد.

برخی از خواسته های کارگران اعتصابی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه:

۱- واگذاری شرکت به بخش دولتی

۲- تغییر مدیران بی لیاقت

۳- پرداخت چهار ماه حقوق معوقه با اضافه کاریهای قطع شده

۴- پرداخت پاداش دوساله

۵- اضافه کاریها و روزهای پنجشنبه و جمعه به شکل سابق پرداخت شود.

۶- قراردادی شدن کارگران روز مزد

۷- کرایه منازل شرکتی که اضافه شده باید طبق روال قبل فقط ایاب و ذهاب و حق مسکن کم شود.

۸- پرداخت حقوق ماه های بهمن و اسفند سال ۹۴ کارگرهای روزمزد.

انتخاب سه نماینده از طرف کارگران با حضور رئیس اداره ی کار و فرماندار و مسئولین شهر که پیگیر امور کارگران شوند

کارگران اعلام کرده اند که در صورت عدم اجرای این موارد، اعتصاب ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد چهارمین روز خود شد!

کارخانه همچنان تعطیل است کارگران با همراهی خانوارها تجمع خود را همچنان در محوطه شرکت روبروی ساختمان مدیریت ادامه داده اند. امروز ۹۶/۹/۲۱ تمامی بخشهای شرکت در این تجمع حضور دارند علی رغم پرداخت دستمزد مرداد ماه و همچنین گفته شده که تا چند روز آینده یک حقوق دیگر پرداخت میشود مشروط به این که کارگران به سرکار خود برگردند. اعتصاب همچنان ادامه دارد...

پنجمین روز اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

به دنبال ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، سهامدار اصلی و مدیر عامل شرکت همراه با نیروهای انتظامی و امنیتی وارد کارخانه شد و با حضور در میان کارگران تلاش کرد آنان را به شکستن اعتصاب وادار کند که با عکس العمل تند کارگران مواجه شد در نهایت به اتفاق همراهانش مجبور به ترک کارخانه شد.

پیش از ورود مدیر عامل به محل شرکت، فیشهای حقوقی شهریورماه در میان کارگران توزیع شده بود که این امر سبب تشدید خشم کارگران شد که در

نهایت به تخریب اتاق دوربین های مداربسته انجامید. این مرکز دوربین چندی پیش برای کنترل کارگران ایجاد شده بود.

کارگران خشمگین کارخانه در اقدام اعتراضی دیگری رییس یکی از بخشهای شرکت را از محل شرکت اخراج کردند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان حاضر به پایان دادن به اعتصاب و اعتراضات شان نیستند. کارگران خصوصی سازی شرکت و واگذاری آن به افرادی که کوچک ترین تخصصی در زمینه کاری شرکت ندارند، را دلیل اصلی نابسامانی های این واحد بزرگ تولیدی می دانند و علاوه بر خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، حل مشکلات بازنشستگی، واریز حق بیمه کارگران خواهان بازگشت شرکت به بخش دولتی هستند. یکی از مهمترین خواسته های این کارگران آزادی فعالیت "سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه" است.

کارگران نیشکر هفت تپه بطور مشروط به اعتصاب پایان دادند!

کارگران هفت تپه به دنبال جلسه دیروز، روز چهارشنبه، با مسولین شرکت به طور مشروط امروز پنج شنبه به اعتصاب خود پایان دادند.

نمایندگان کارگران هفت تپه دیروز بعد از ظهر با رستمی رئیس هیئت مدیره شرکت هفت تپه جلسه داشتند. در این جلسه وی قول داد بر اساس خواست کارگران، افشار را از کار برکنار کند و دستمزد شهریور ما تا ۲۵ آذر و حقوق مهر ماه تا پایان ماه آذر یعنی ۵ روز دیگر پرداخت شود.

همچنین امروز پنج شنبه ۹۶/۹/۲۳ فرماندار به اتفاق دیگر مسئولین شهرستان شوش در جمع کارگران حاضر شدند و قول دادند که تا پایان سال ۹۶، تمامی مطالبات و دستمزدهای کارگران همراه با پاداش و همچنین دستمزد سالهای گذشته کارگران پیمانکار پرداخت خواهد شد. لارم به ذکر است که کارگران پیمانکار دستمزد سال های ۹۴ و ۹۵ را طلب دارند.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



اعتصاب در شرکت نیشکر هفت تپه

با توجه به بدقولی های کارفرمای نیشکر و مسوولین دولتی در شوش ، از امروز اعتصاب در این کارخانه آغاز شده است.

کارگران بر طبق وعده ای که از قبل گذاشته بودند در محوطه کارخانه جمع شده و از فعالیت کارخانه جلوگیری کرده اند. درب کارخانه بسته و از ورود و خروج جلوگیری شده است.

کارگران معترض برای همراه کردن دیگر واحدهای تولیدی شرکت اقدام به گفتگو و قانع کردن کارگران به پیوستن به جمع معترضین را دارند.

۱۸ آذر ۱۳۹۶ تحریریه پیام سندیکا

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



ایران خودرو

با توجه به پایان مرحله ی نصب رباتهای پاشش رنگ رویه در خط دوم کابین سالن رنگ یک در شرکت ایران خودرو و انجام مرحله ی تست، سالن پیش‌رنگ ۱ که وظیفه ی تغذیه رنگ ۱ را بر عهده دارد، آمار تولید را از ۲۶ دستگاه (بدنه ی خودرو) در ساعت، به ۴۰ دستگاه در ساعت رسانیده است.

لازم به ذکر است که زحمت این افزایش آمار را کارگران تولید و با همان نفرت کم می کشند و این امر باعث افزایش فشار به نیروهای تولید شده است.

متعاقب این امر، بدلیل اینکه رویکرد شرکت، بیشتر مبتنی بر آمار هست، لذا این فشار و حجم تولید، بر روی روند کیفیت، اثر نزولی خواهد داشت. با توجه به اعتراض کارگران به این امر، مسئولین سالن، قول به تامین نیرو در هفته های آتی را داده اند. اینکه تامین نیرو تا چه زمانی طول بکشد، قطعاً فشار تولید بر روی کارگران خط که سه شیفت کار میکنند، می باشد.

ایران خودرو ۳ سال است که با توجه به بازنشسته شدن کارگرانش اقدام به تامین نیروی کارگری نکرده است.

مشکلات کارگران ذوب آهن اصفهان



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

- ۱- با آنکه بارها از مدیریت امور اداری در مورد چگونگی انتقال سوابق خدمت از یک صندوق بازنشستگی به صندوق دیگر پرسش شده است، اما متأسفانه مسوولین فقط به گفتن قانون اکتفا کرده و اصلن به چگونگی این موضوع نمی پردازند. چرا؟؟
- ۲- شرایط برقراری حق اولاد و نحوه پرداخت و چگونگی کمک هزینه ازدواج برای مشمولین تأمین اجتماعی را مدیریت امور اداری شفاف اعلام نمی کند. چرا؟
- ۳- با آنکه بارها در مورد رسیدگی و تعمیرات به موقع به سیستم های گرمایشی رستوران های رسالت و متالورژی تذکر داده شده است اما مدیریت انرژی سهل انگاری می کند.
- ۴- بیمه ایران در بیمارستان سیدالشهدای اصفهان از پذیرفتن بیمه کارگران امتناع می کند. چرا برای تمدید قرارداد اقدام نمی شود؟
- ۵- کلینیک داندن پزشکی فولادشهر چند روز تعطیل بود چرا؟؟
- ۶- تعمیرات دانه بندی واحد ۲ کک سازی به همت کارگران سخت کوش واحد ۲ کک و کارگران مکانیک در سه شیفت پایان یافت. که رکوردی برای این بخش محسوب می شود. لطف پاداش این کارگران فراموش نشود
- ۷- در کارگاه پ.ژ.ت کارگران با افزایش دقت کنترل و بازرسی توانسته اند در صرفه جویی و خرید از ورود قطعات معیوب به کارگاه خوداری کنند. این تیزبینی باید مورد توجه مدیریت قرار بگیرد.
- ۸- متأسفانه عدم شفاف سازی مدیریت مالی باعث شده کارگران ندانند که محاسبه مالیات بر حقوق چگونه در سال جاری صورت گرفته است.

۹- سرویس شیفت مسیر سپاهان با مسیر خوراسگان یکی شده که موجب دیر رسیدن کارگران و خستگی بیش از اندازه شده است. مدیریت به جای اینگونه صرفه جویی ها فکری به حال خریدهای بی دلیل باشد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران سیکل گردشی نوب آهن

۱- کارگران سیکل گردشی که برای کاهش مصرف آب کوشش می کنند خواستار دیده شدن این تلاش ها در فیش حقوقی خود هستند.

۲- تعداد نیروها در سیکل گردشی کم است و دیگر کارگران باید این کمبود را در حین کار پر کنند که موجب خستگی مفرط کارگران شده و از دقت عمل آنان می کاهد

۳- ضرورت آموزش در خصوص داشتن علم روز تجهیزات برای کارکنان امری واجب می باشد و بازدید این کارگران از شرکت های مشابه دارای فن آوری روز برای کارکنان می تواند ثمر بخش و مفید باشد

۴- در نظر گرفتن تجربه کارگران این بخش برای دادن گروه و در نظر داشتن سابقه کارگران در سالهای گذشته و قبل از تبدیل وضعیت به قرارداد معین از خواسته های فوری کارگران می باشد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از خواسته های کارگران نوب آهن اصفهان:

۱- از مسوولین می خواهیم شرایط پرداخت وام مسکن و ازدواج برای کارگران جوان باید آسانتر و سریع تر باشد

۲- کمک هزینه تسهیلات به کارگرانی که فرزندان چند قلو دارند به مدت ۲ سال پرداخت می شود آیا بعد از دو سال مشکلات این بچه ها کمتر می شود که این تسهیلات را قطع می کنید، آقایان مدیریت نوب آهن؟؟؟

۳- لیست مراکز طرف قرارداد بیمه ایران چرا به صورت مکتوب به کارگران اعلام نمی شود که ما سرگردان نشویم

۴- مشکلات کارگران شبکه لوله کشی و مدیریت آبرسانی

الف) پذیرش مدرک تحصیلی کارکنان این بخش به جهت موثر بودن در حقوق و مزایا و رتبه شغلی

ب) لحاظ شدن سوابق کارکنان قراردادمعین

ج) تخصیص پاداش و دادن امکانات رفاهی به کارگران این بخش

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات بازنشستگان فولاد



متأسفانه با بدقولی های وزیرکار حقوق بازنشستگان فولاد باز هم عقب افتاده است. با تجمع هفته قبل فعلن حقوق آبانماه در ۲۸ آذر پرداخت شد و قرار بود طبق گفته وزیرکار ۲ روز بعد هم حقوق آذر داده شود که تا زمان این گزارش سوم دیماه هنوز پرداخت نشده است.

با اعتراضات بازنشستگان فولاد فعلن دفترچه بیمه این بازنشستگان تا ۲۹ اسفند اعتبار دارد و همچنین از مجلس خبر می رسد که در بودجه سال ۹۷ حقوق این بازنشستگان را دولت تقبل کرده و به تصویب مجلس هم رسیده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بندرعباس



ساعت ده صبح روز ۲۴ آذرماه مرحوم حبیب جداوی ۲۲ ساله ازمنوجان کرمان که در پروژه ستاره نفت بندرعباس و در شرکت آبدراهان به پیمانکاری جداوی از داربست به زمین پرت شد و در دم جان باخت.

این کارگر داربست بند کرمانی، ازبالای تاور و در ارتفاع ۴۶ متری که درحال بستن گارد داربست بود که به پایین پرت شده است.

این حادثه در حالی رخ داد که بالکنی که داربست بند بسته بود و آماده زدن گارد، به دلیل این که قیچی های بالکن بست هایش شل بوده ، ناگهان لوله قیچی شل شده وپایین آمده و بالکن خم گردیده که داربست بندهم با اینکه کمربندهم داشته ولی درحال زدن گارد و اتمام کارش بودکه این حادثه رخ داده است.

مرحوم حبیب جداوی، امروز پس ازانجام معاینات پزشک قانونی جهت خاکسپاری به منوجان کرمان فرستاده شد.

متأسفانه به دلیل سودجویی شرکت های پیمانکاری کارگران را وادار می کنند بدون رعایت شرایط ایمنی به سرکار رفته و متراژ تعیین شده را داربست ببندند. به همین دلیل کارگران برای سرعت بیشتر معمولن قلاب کمر بند ایمنی را باز می کنند.

گوشه ای از مشکلات کارگران پروژه ای ها

- ۱- پرداخت نکردن به موقع دستمزدها که تا ۷ ماه تاخیر هم دیده شده و همچنین در موقع تسویه حساب تا یکسال هم طول می کشد.
- ۲- عدم پرداخت بیمه تامین اجتماعی. گاهی هم یک ماه واریز می کنند دو ماه بدون واریزی تا همیشه دفترچه کارگران اعتبار بخورد
- ۳- عدم پرداخت عیدی و سنوات و ... اکثر پیمانکاران عنوان می کنند که این حقوقی که می گیرید عیدی هر ماهه نیز در آن لحاظ شده است که این یک دزدی آشکار است. و قانونی نیست
- ۴- وضع نامناسب رفاهی کارگران که و در برخی جاها اسفناک است. مانند محل اسکان آنها و خوابگاه های کارگری که در شان این زحمت کشان نیست. حمام های غیر بهداشتی و دستشویی های کثیف و به تعداد کارگران کم. غذاهای بی کیفیت.
- ۵- عدم حاشیه امنیت کاری. قراردادهای سفید امضا ۳ ماهه و حتی یکماهه.
- ۶- میزان دریافتی نامناسب کارگر با ۱ میلیون ۲۰۰ هزار تومان که نمیدانیم با چه فرمولی این مبلغ را خرج کنیم.
- ۷- ساعت کاری بالا روزانه ۱۰ ساعت کار. و روز جمعه تا ۱۲،۳۰. با مرخصی ۲۴ روز کار ۶ روز مرخصی.
- ۸- عدم تهیه کفش و لباس مناسب کار. تهیه این لوازم با پیمانکار بوده ولی دیده شده که یا از حساب کارگر کسر کردند و یا دست دوم دادند.
- ۹- متاسفانه در نبود کار، استاد کاران در اکثر مواقع حاضرند بعنوان نیروی کمکی جذب شوند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت آبدراهان

این شرکت زیرمجموعه شرکت فلات قاره است. وضعیت پرداخت حقوق بسیار وحشتناک است. هنوز حقوق مرداد به بعد پرداخت نشده است. وضعیت غذا اقتضاح و بدون میوه و دسر و با ضعیف ترین کیفیت از لحاظ بهداشتی. از لحاظ ایمنی فقط کلاه و دستکش می دهند و از لباس کار و کفش کار ماسک... خبری نیست. در سایت خبری از سرویس بهداشتی و جای استراحتی برای ظهر برای کارگران نیست. باید کارتون خواب شد.

بیمه تامین اجتماعی یک ماه در میان واریز می شود. اگر اعتصاب کنی، اخراجی و بلک ایستی. در این شرکت ظلم به کارگران بی نهایت است. شرکت هر ماه پول صورت وضعیت خود دریافت می کند اما به کارگران با ۶ ماه تاخیر حقوق می دهند. گاهی ۲۰۰ هزار تومان مساعده می دهند که کارگر نمی داند با آن چه کند.

این ظلم بدتر از قتل است. نه قتل یک نفر، بلکه قتل جامعه، جامعه کارگری و خانواده های کارگری است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کنگان!

کارگران شرکت احداث در فاز ۱۴ کنگان از ۱۱ آذر دست به اعتصاب زده اند. خواسته کارگران تسویه حقوقشان از خرداد ماه تاکنون است.

خبرهای رسیده حاکی از خیمه شبانه نیروهای اعتصاب کننده مقابل گیت های فاز ۱۴ می باشد. بعد از فرصت نیم روزه، که کارگران امروز به مدیریت شرکت داده بودند، کارگران شبانه اقدام به زنجیر و مسدود کردن درب های ورودی نموده اند. طبق آخرین گزارش ها فردا صبح ۱۳ آذر، فاز ۱۴ در اعتصاب حتمی به سر خواهد برد.

بعد از کشتاندن یکی از مدیران دفتر مرکزی شرکت احداث از تهران و جلسات فشرده برای پرداخت بخشی از مطالبات ، مدیریت هنوز تصمیمی برای پرداخت نگرفته است. این موضوع خشم کارگران را برای ادامه اعتصاب چند برابر کرده است.

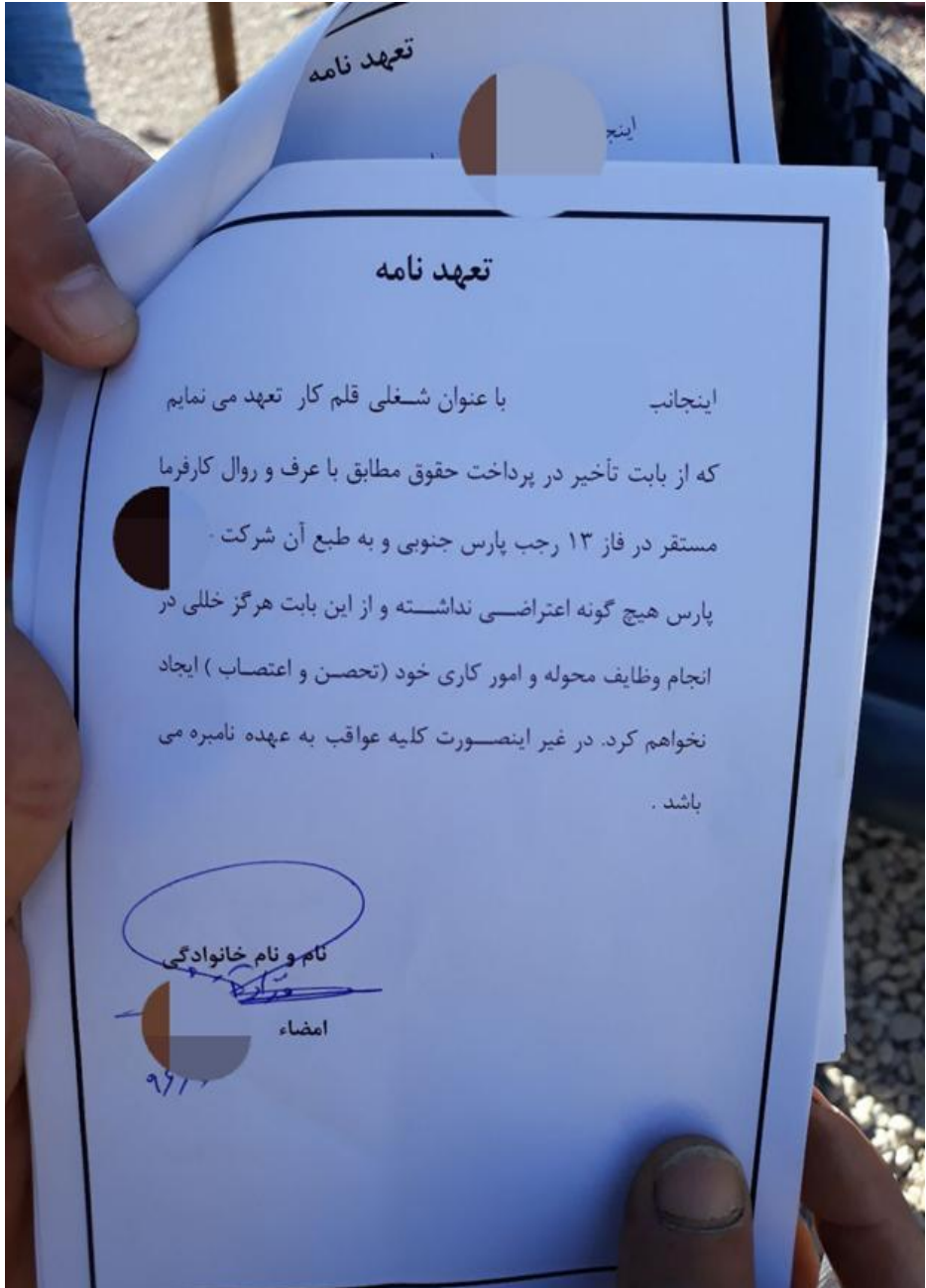
گفتگوی خبرنگار پیام سندیکا با کارگری از پالایشگاه نفت ستاره خلیج

من در پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس کار می کنم. اسفند پارسال تسویه کردیم هنوز بهمن سال گذشته را نداده اند. شرکت نوتاش زیر مجموعه فراب ناردریس با پیمانکاری زندی فعالیت می کند. کارگران به پیمانکار میگویند حقوقمان را بدهید می گوید باید شرکت نوتاش پول بدهد. شرکت نوتاش اعلام کرده شرکت فراب باید واریز کند تا پرداختی انجام شود. شرکت فراب هم زندی را مقصر می داند. خلاصه فعلم دارند پاس کاریمون میکنند

۵۰ نفریم. بیمه و سنوات و عیدی امان را هم نداده اند. حراست هم مراجعه می کنیم پستی پیمانکار در می آیند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی

با توجه به افزایش اعتصاب های کارگری در منطقه، کارفرماها برای مهار جنبش اعتصابی دست به حيله جدیدی زده اند و این از شرکت ستاره درخشان بندرعباس شروع شد که در تعهد نامه ای، کارگر متعهد می شد که در صورت پرداخت نشدن حقوقش توسط کارفرما دست به اعتصاب نزنند. نمونه دیگری از این نوع قرارداد ها را در زیر برایتان می آوریم:



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه های نفتی

من در شرکت فراب کار می‌کنم. آنجا وضعیت خوابگاه های کارگری خیلی خرابه و در هر اتاق ۸ نفر زندگی می‌کنند. شما در نظر بگیرید اگر ۸ تا کارمند هم که لباس و وضعیتون تمیز هست نمیتونند با هم در یک اتاق ۳ در ۴ کار کنند. هر سوله دارای ۱۲ اتاق ۸ نفری است که حدودن ۹۰ نفر در آن هستند. برای این تعداد ۱۰ تا دستشویی وجود دارد که ۴ تا سالم و درست حسابی نیست. حتی مایع دستشویی یا نمیریزند یا با آب قاطی می‌کنند.

آب حمام ها در سال های قبل بقدری جوش میشد که کارگران از کارگاه یخ می‌آوردند و در گونی می‌کردند و می‌بردند توی حمام. پارسال با اعتصاب و اعتراض شدید کارگران کارفرما مجبور شد ابتدا بصورت موقت یخ توی مخزن ریته و بعد هم یک استخر درست کرد تا آب قدری خنک تر بشه. البته هنوز هم آب گرمه ولی جوش نیست.

اکثر پیمانکاران از پرداخت عیدی و سنوات و... فرار کرده نیروهایشان را هر زمان که بخواهند از کار بیکار می‌کنند، بدون هیچ اطلاع قبلی. وضعیت پرداخت حقوق در سالهای قبل در این مجموعه انقدر بد بود که به دو آشوب بسیار بزرگ انجامید و کارفرما فلات قاره مجبور شد عید همان سال خود حقوق کارگران را مستقیم واریز کند. کارگرانی که درمرداد برای پیمانکاری خنیاب پور از شرکت فراب کار کرده و هنوز حقوقشان واریز نکرده اند.

وضعیت غذا و آب کارگران فرق زیادی با غذای مهندسی هست. این مشکل بصورت جدی در همه پروژه های نفتی وجود دارد. در پروژه نفت ستاره، شرکت ها و پیمانکاران زیادی هستند که شاید به ۲۰۰ شرکت هم برسند و جز انگشت شماری از آنها، کسی حقوق کارگران را به موقع پرداخت کند. وضعیت سرویس رفت و برگشت که وحشتناک است. اتوبوس های بنز قدیمی بدون هیچ نوع سیستم خنک کننده در اوج تابستون و گرما. کارگران وقتی سوار می‌شوند اصلا قابل تحمل نیست داخل اتوبوس حمام سوناست. در اینجا از ساعت ۱۲ الی ۱۵ به حساب تابستونا وقت استراحت.

طبق قانون کسی که تسویه می‌کند باید حق و حقوقش کامل پرداخت بشود. اما چنین اتفاق هرگز دیده نشده است. به عنوان مثال پیرمردی برای طلبش مراجعه کرده بود آنهم از چند ماه اما گفته بودند سر فرصت واریز می‌کنیم. این کارگر پیر بچه اش مریض بوده و نیاز شدید به ۵۰۰ هزار تومان پول داشت و اشک مثل بارون از چشمانش سرازیر. این رنج و دردی است که ما در پروژه هایی می‌کشیم که از درآمدش تمام ایران اداره می‌شود. اما سهم ما گرسنگی و بی حقوقی کامل است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پیمانکاری های پروژه ای

۱- در پتروشیمی لردگان قوانین عجیبی وضع شده مثلن اینجا روزهای بارانی حقوق کارگر را حساب نمی کنند و یا کار به هر علتی تعطیل بشود مسولش کارگران هستند. پیمانکاری آذری مقدم در اینجا فعال است.

این پیمانکار حقوق مهرماه تاکنون را به کارگران بدهکار است.

۲- آقای سرلک پیمانکار لوله ۸۰ اینچ آب خرمشهر آبادان ماهشهر است ایشان حقوق کارگران از تیرماه تاکنون را پرداخت نکرده است.

۳- شرکت اروندان قرارگاه سازندگی خاتم قرب کربلا چهل روز است کار را تعطیل کردند و جوابگو نیستند. البته پیمانکار اصلی آقای شیرزاد موگویی هستند. ۹۰ درصد کارکنان و جوشکاران یک ریال هم نگرفته اند.

پیمانکاران میگویند ما نیز مانند شما کارگر هستیم.

گفتگوی خبرنگار پیام سندیکا با کارگری از پالایشگاه بندرعباس

در پالایشگاه بندرعباس هنوز حقوق تیرماه کارگران را نداده اند. در کمپ حاجبی مستقر هستیم. بیمه کارگران را ۵۰ درصد از کارگر کسر می کنند در حالی که باید ۷ درصد کسر کنند.

وضعیت خوابگاه افتضاح و غیربهداشتی است. میوه دسر اصلا نمی دهند. صبحانه هرروز پنیر و مربا. سرویس رفت برگشت تو این گرما بدون کولر است

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شهرک صنعتی ساوه



شرکت نوین کاوش مامطیر که تولید کننده مواد اولیه دارویی می باشد از سال ۸۱ با مدیریت دلسوز جناب دکتر پرتو آغاز به کار کرد اما پس از چند سال بدلیل حمایت نشدن مالی و فروش سهام به افراد دیگر دستخوش بحران گردید. با اختلاف بین شرکا که با هم نسبت فامیلی دارند در اردیبهشت ۹۶ عملاً تعطیل گردیده و کارگران از ۶۰ نفر به ۶ نفر تقلیل یافت. لازم است که توضیح دهیم که از ماه آبان ۹۵ تا کنون پرسنل حق و حقوق خودشان را دریافت نکرده اند و نماینده کارفرما پرداخت حقوق کارگران را موکول به فروش کارخانه نموده است. با این شرایط کارگران برای گرفتن حقتشان به اداره کار شکایت نمودند و اداره کار رای به محکومیت کارفرما داده است. اما این بار نیز کارفرما از دادن حق و حقوق کارگران خودداری نموده و وعده پرداخت مطالبات کارگران را منوط به پس از فروش کارخانه کرده است. اما کارگران از پای ننشسته و با بردن کارفرما به دادگاه توانستند اقدامات زیر را اجرایی کنند.

۱- توقیف ماشین مدیر عامل و به مزایده گذاشتن آن. (هنوز فروش نرفته)

۲- توقیف یک دستگاه آزمایشگاه به مبلغ حدودی ۱۵۰ میلیون (که در هفته آینده حکم مزایده نیز گرفته می شود)

۳- پلمب کل کارخانه با حکم دادگاه (شایعه فروش تک تک دستگاه شنیده شده بود)

اکنون نیز کارفرما و کارگران در حال مذاکره هستند تا مسائل حل شود. شاید در هفته پیش رو مذاکرات به نفع کارگران پایان پذیرد. اتحاد و آگاهی کارگران این شرکت سبب شده تا نماینده کارفرما اعلام مذاکره نماید. کارفرمای اصلی در کانادا می باشد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شهرستان فیروزکوه!

شهرستان فیروزکوه که یکی از شهرستان های استان تهران می باشد در ۱۸۰ کیلومتری شمال استان تهران واقع شده و دارای ۴۵ هزار سکنه است. بیش از ۶۰ درصد مردم دامدار ، باغدار، و کشاورز می باشند.

دهقانان این شهر با وجود جاری بودن ۷ رود ، از بی آبی رنج می برند. سد زده شده بر روی این رودها و سرچشمه هایش و انتقال آب به سمنان و گرمسار دلیل عمده بی آبی این شهرستان خوش آب و هوا شده است.

از ۶۰ میلیون لیتر آب مورد احتیاج دهقانان و اهالی شهر فقط ۴۵ میلیون لیتر در اختیار شهرستان قرار می گیرد. این تغییر مسیر آب از رودخانه ها و سرچشمه ها تاثیر مخربی بر روی آب و هوای فیروزکوه گذاشته است و ریزش برف در این شهر برف خیز را به کمتر از ۱۰ درصد کاهش داده است. بی لیاقتی و عدم کار کارشناسی در مورد انتقال آب، مردم شهرستان فیروزکوه را با بیماری هایی چون بیماری های تنفسی روبرو کرده است، که عامل اصلیش کارخانه سیلیس و گرد و غبار کارخانه سیمان می باشد. که متأسفانه عدم بارندگی نیز به آن شدت بخشیده است.

مردم این بی تدبیری مسوولین را به کجا ببرند!

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات دهقانان فیروزکوه!

پس از تغییر مسیر آب و سد زدن بر روی رودخانه های جاری و سرچشمه های این شهرستان ، مشکل کم آبی به سراغ دهقانان منطقه آمد. بی تدبیری و غیرکارشناسی بودن سمومی که در اختیار کشاورزان قرار گرفته است و به جای ماندگاری زودرس به ماندگاری طولانی، سبب گردیده که برداشت محصولاتی چون سیب زمینی از ۸۰ تن به ۳۰ تن برسد. باقلای مازندرانی،

کاهو، کلم بروکلی، گندم، یونجه، سیب درختی، هلو گندم برداشتش به کمتر از ۳۰ درصد رسیده است.

مشکل برداشت کم این محصولات از سویی و مشکل زمان فروش محصولات، بخش دیگری از گرفتاری دهقانان است. در سال گذشته و هنگام برداشت سیب زمینی ۲۱۰ هزار تن سیب زمینی از پاکستان و ۲۰۰ هزار تن دیگر از ترکیه روانه بازار شد تا قیمت این محصول به کمتر از ۳۰۰ تومان برسد. و این درحالی است که بارفروش ها سیب زمینی را به قیمت ۶۰۰ الی ۸۰۰ تومان می فروختند.

خبرنگار پیام سندیکا تایید می کند که در همدان و زنجان ، دو مرکز عمده کاشت و برداشت سیب زمینی با این حرکت واردات از خارج ، دهقانان مجبور شدند که سیب زمینی های کاشته شده را برداشت نکنند و یا به مصرف گاوهای خود برسانند. دهقانانی هم که سیب زمینی های خود را سال گذشته فروخته اند هنوز طلبشان بعد از یکسال وصول نشده است.

سیستم دلالی رسوخ کرده در عرصه اقتصاد و دولت خواهان نابودی کشاورزی، دامداری، باغداری و هر تولید دیگری است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از محیط زیست فیروزکوه!

هر ساله دهقانان فیروزکوه با هجوم ملخ روبرو می شوند که با تدابیر سنتی این مشکل را رفع می کردند.

متأسفانه ۵ سال قبل در یک اقدام غیرکارشناسانه ، مسولین کشاورزی منطقه برای مبارزه با ملخ با آغشته کردن سبوس به سم و قراردادن آن در مسیر پرواز ملخ ها باعث هم نابودی ملخ ها گردیدند و هم یک فاجعه را رقم زدند.

اتفاقی که با این بی تدبیری رقم خورد موجب کشتار و نابودی کبک ها، موش ها، مارها، آهوها، کله بزها ... در منطقه گردیده است. این منطقه امروز به بیابان سوخته ای بدل شده و فاقد زیست بوم مناسب است.

این کار احمقانه که بی لیاقتی و بی دانشی مسولین را نشان می دهد موجب گردیده اکولوژی منطقه دست خوش تغییر گردد و باعث زیان های جبران ناپذیری به محیط زیست و دهقانان منطقه گردد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بیکاری در فیروزکوه



کارخانه سن ایچ که در شهر صنعتی فیروزکوه احداث شده است. کارخانه سن ایچ که قرار بود ۱۸۰۰ کارگر را در خود پذیرفته و بخشی از مشکل بیکاری شهر را رفع نماید، اعلام کرده است تنها ۱۲۰ نفر کارگر را استخدام خواهد کرد. تاکنون ۶۰۰۰ کارگر برای کار در این کارخانه ثبت نام کرده اند. جالب است که این شرکت به جای اعلام به اداره کار فیروزکوه برای گرفتن نیرو، خود بطور مستقل به ثبت نام بیکاران اقدام کرده است.

بی تردید از این ۱۲۰ نفر بخشی با سفارش و رانت استخدام خواهند شد تا دستمزدی ۴ برابر زیر خط فقر بگیرند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ماسه و ریخته گری فیروزکوه!



این کارخانه در ۲۵ کیلومتری شرق فیروزکوه بنا شده و ۱۳۵ کارگر و تکنسین و ۲۵ کارمند اداری در دفتر مرکزی دارد. متأسفانه ۳ درصد سود سهام متعلق به کارگران در دو سال اخیر پرداخت نشده است. بزرگترین مشکل کارگران گرد و غبار جاری در کارخانه است که منجر به بیماری و مرگ زود هنگام کارگران میشود و شده است. اداره کار فیروزکوه از فرستادن بازرس برای تحقیق در مورد ایمن بودن محیط کار در کارخانه و بهداشتی کردن شرایط کار و تولید تاکنون قصور ورزیده است.

حقوق کارگران خدماتی بازیچه دست پیمانکاران

بر طبق گزارش خبرنگار پیام سندیکا شرکت درمانکار آرشیدا که بیمارستان های مدنی، باهنر، ... کرج را تامین غذایی می کند در حال حاضر ۲ ماه حقوق کارگران خود را نپرداخته و عنوان می کند دریافتی از بیمارستان های تحت پوشش خود ندارد. به همین دلیل از پرداخت حقوق کارگران معذور است. این شرکت اعلام کرده است پس از پرداخت حقوق عقب افتاده ۲ ماهه تا آخر اسفند حقوق پرداخت نخواهد کرد.

این درحالی است که این شرکت در هفته گذشته در مزایده بیمارستان شریعتی برای تامین غذای بیماران برنده شده است.

در این شرکت در ازای ۱۲ ساعت کار، کارگران حقوق ۱ میلیون ۲۰۰ هزار تومانی دریافت می کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از صندوق آینده ساز

بزرگترین دارایی هر صندوق و بیمه میزان اعتماد آبرویی است که در میان مخاطبان و یا مشتریان دارد و که آن را به عنوان سرمایه اجتماعی تعبیر می شود. متأسفانه مجموع عملکرد صندوق آینده ساز باعث نابودی روز افزون این سرمایه است.

نبرد بزرگی که حاکمان صندوق آینده ساز بنام شورای سیاستگذاری صندوق با بخش کارگری اعضا آغاز نموده نه تنها به خاموشی کارگران نینجامید بلکه باعث ضرر صندوق شد

می خواهند ضرر چندین دهه حاکمیت در حیاط خلوتشان را از جیب کارگران شاغل و بازنشسته جبران نمایند اما غافل بودند که نارضایتی اعضا به نابودی سرمایه اجتماعی صندوق خواهد انجامید

و در حالی که ۶۰۰ نفر از اعضا شرکت ایران خودرو بخاطر عضویت اجباریشان در صندوق، پروسه شکایت را طی می کنند، همچنان اطلاعیه ای داخلی جهت عضوگیری جدید به همان سیاق قدیم صادر می گردد!!!

کارگران باید هوشیار شوند و از پیوستن به این صندوق ورشکسته خوداری کنند.

خواسته های زحمتکشان جدا از خواسته های پرستاران، خبرنگاران، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و زنان و حتا دانشمندان مردمی نیست. ما خواهان بهبودی وضعیت معیشت مردم ایران، رفع فقر و بیکاری و آزادی های انسانی هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اخبار کارگران شرکت واحد به نقل از گروه تلگرامی سندیکای واحد

۱- جمعی از کارگران شرکت واحد برای پیگیری تسهیلات مسکن به شورای شهر مراجعه کردند.

یکشنبه ۲۶ آذر جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی برای پیگیری تسهیلات مسکن به شورای شهر مراجعه کردند. ولی متأسفانه هیچ یک از نمایندگان شورای شهر تهران حاضر به ملاقات با کارگران نشدند. بعد از روی کار آمدن شهردار جدید و شورای شهر جدید نامه هایی خطاب به رییس شورای شهر و شهردار تهران در مورد تسهیلات مسکن کارگران به ثبت رسیده است ولی متأسفانه هیچ رسیدگی ای انجام نشده است.

۲- حراست شرکت واحد کارگران را مجبور می کند تعهد دهند که بدون مجوز حراست از کشور خارج نشوند.

چند سالی است که حراست شرکت واحد به کارگران فشار می آورد و به زور تعهد می گیرد که بدون اطلاع و هماهنگی با حراست از کشور خارج نشوند. در صورتی که حراست قانوناً هیچ وظیفه و اختیاری در این مورد ندارد. و تنها مرجع ناظر بر خروج افراد از کشور باید اداره گذرنامه نیروی انتظامی باشد. و هیچ ضرورتی نیز در مورد اخذ تعهد از کارگران شرکت واحد در این مورد وجود ندارد.

سندیکا از کارگران می خواهد که تسلیم این فشار و زورگویی حراست برای دادن تعهد نشوند و می توانند در این خصوص به بازرسی اداره کار مراجعه و از اقدام غیرقانونی حراست در گرفتن تعهد غیر قانونی شکایت کنند.

۳- پیام رسیده از کارگر سامانه شش به سندیکا در مورد عدم پرداخت اضافه کار انگیزشی به رانندگان و کارگران

یک بوم دو هوا

در حالیکه اکثر مناطق شرکت واحد بابت تحویل گرفتن اتوبوس از هم پست و یا شاغل شدن در ایام تعطیل و کار کردن در خط به ازای هر روز یک ساعت اضافه کار انگیزشی داده می شود. علیرغم پیگیری پرسنل سامانه ۶ از بهره برداری جواب منفی شنیده اند. گویا از زمانی که کارهای مناطق به مدیریت سامانه ها واگذار شده عملکرد مدیران سلیقه ای شده و هیچ نظارتی بر روی عملکرد مدیران نیست و پاداش های بهره وری عملکرد سامانه فقط به عده ای از خواص داده می شود و به رانندگان و کارگران که رکن اساسی این کار هستند تعلق نمی گیرد. و نارضایتی پرسنل زحمتکش را به همراه دارد. لذا بدینوسیله اخطار می دهیم که در صورت ادامه این روند و عدم رسیدگی از جانب مسئولین عواقب این کار بعهده خود ایشان می باشد.

۴- علی رغم آلودگی شدید هوا در روزهای گذشته حتی به رانندگان شرکت واحد ماسک هم داده نشده است.

مدیریت ناکارآمد شرکت واحد در آلوده ترین روزهای سال رانندگان را تنها گذاشت و حتی به آنان ماسک هم نداد با وجود اینکه معضل آلودگی هوا در

تهران در این فصل دائمی شده و بصورت روتین باید مدیریت شرکت واحد تمهیداتی برای آسیب کمتر به رانندگان بیاندیشد و حداقل به رانندگان که ساعت ها در میان آلودگی به شهروندان خدمت رسانی می کنند؛ ماسک بدهد. اما متأسفانه چنین نشد.

۵- کارتن خواب ها و معتادین معضل امنیتی برای رانندگان شبکار خطوط بی آرتی

رانندگان زحمتکش شبکار در خطوط بی آرتی امنیت مناسب در محل کار ندارند. کارتن خواب ها که اکثریت شان اعتیاد دارند. شب را می خواهند در اتوبوس سپری کنند و حتی در انتهای خطوط درخواست دارند که از اتوبوس پیاده نشوند و در صورت مخالفت، در مواردی به راننده دیگری رجوع کرده مجددا سوار اتوبوس میشوند می شوند در غیر این صورت با راننده درگیر میشود علاوه بر این به دلیل اینکه تعداد زیادی از کارتن خواب ها در اتوبوس شب را سپری می کنند. مواد مخدر نیز بسیار میان آنان خرید فروش می شود و بستر ناامنی در طول مسیر برای رانندگان شبکار خطوط بی آرتی ایجاد کرده است. و در انتهای خطوط هم رانندگان از بیم سرقت لوازم اتوبوس لحظه ای نمی توانند آسوده باشند.

« سندیکاهای کارگری حق دارند از محل ثابتی که مناسب با فعالیت آنها باشد ، برخوردار باشند و از مقامات دولتی بخواهند که چنین محلی را در اختیارشان قرار دهند . اداره محل سندیکاها یا اماکنی که به آنها واگذاری می شود ، حق کارگران است . اما مصونیت این اماکن باید تضمین شود. »

چرا اعتصاب در پروژه ها به موفقیت نمی رسد؟

یکی از مهمترین مسائلی که باید با دقت تحلیل شود بحث اعتصابات کارگری در پروژه های نفت و گاز است.

یکی از دلایل عدم موفقیت اعتصابات، نبود برنامه ریزی دقیق و هدفمند، است. کارگران وقتی در بدترین شرایط قرار می گیرند، این بدترین شرایط یعنی اینکه شش ماه حقوق نگرفته ای به همه بدهکاری و هیچ چشم اندازی برای دریافت حقوق نداری.

در این وضعیت کسانی که حاضر شده اند، با شرایط تا چهار و پنج ماه حقوق نگرفتن و شرایط رفاهی نامناسب و نداشتن بیمه و وووو، کار کنند، دیگر صبرشان لبریز می شود، هرچند این شرایط سخت را قبول کرده اند، ولی باز شرایط پیش رو را از این هم بدتر می بینند، با اعصابی خورد و شرایطی دیوانه کننده به طور خود جوش چندین نفر دور هم تصمیم به پایه ریزی اعتصاب کرده و عده ای نیز با آنها همراه می شوند.

دسته اول آن چند نفر اولیه دیگر قید کار را می زنند و شرایط بلک لیست وووو، را نیز پذیرفته اند. اینها حسابشان با دیگران جداست.

دسته دوم تعدادی کارگر عصبانی هستند و فقط سروصدا می کنند. این قشردوم فقط همراهن و اگر خطری حس کنند جدا می شوند. در این شرایط نیروهای حراست شرکت و افراد وابسته به پیمانکار نیز دست بکار شده دسته دوم را با تهدید ومنت گذاری و با دست گذاشتن روی نقطه ضعف هایی که از این کارگران دارند، چه روحی و چه شغلی آنها را تهدید و می کنند.

پیمانکاران و عواملشان سالهاست به روانشناسان خوبی تبدیل شده اند. در نتیجه این دسته دوم را نیز متفرق می کنند.

می ماند افراد پیشرو که تنها می مانند. که اخراج شان حتمی است مگر اینکه تبدیل شوند به سر به زیرترینها. و یا اینکه پیمانکاران راضی شان کنند.

به هرحال پیشروان اعتصاب باید شناسایی شده و توجیه شوند تا با برنامه ریزی و سازماندهی و با راهنمایی پیشکسوتان، برنامه ریزی شده عمل کنند.

نجات کارگر پروژه ای

کودتا ها، برای خصوصی سازی

در اوج مبارزات ضد استعماری مردم ایران به رهبری بخشی از جبهه ملی و حزب و سازمان های کارگری چپ ایران عناصر لیبرال - مالک و خرده بورژوازی وحشت زده از قدرت گرفتن رادیکالیسم در ایران، با کمک امپریالیسم جهانی به رهبری امریکا با یک کودتای نظامی روند پیش رونده سیر تحولات اجتماعی در ایران را متوقف کردند. امپریالیسم آمریکا که در برنامه ریزی کودتا نقشی کلیدی داشت پس از پیروزی، اهرم های اقتصادی ایران به دست گرفت و مناسبات سرمایه داری را با همه ساختار خرد و کلان آن در ایران کاربردی نمود. عواقب این مناسبات برای ایران یک فاجعه اقتصادی ایجاد کرد که نظام را وادار نمود به اصلاحاتی از جمله اصلاحات ارضی دست بزند. مقدمات این فاجعه ی وابستگی اقتصادی و ورشکستگی صنایع وطنی، پیش از کودتا بدین گونه آماده شده بود. شاه و دولت های سرسپرده ی فراماسیونرهاش هم چون قوام با کمک مشاورین امریکا ایش هم چون میلسپو زمینه وابستگی اقتصادی ایران را آماده نمودند..

«در ژانویه ۱۹۴۳ میلسپو با سمت مدیریت کل دارایی وارد ایران شد. به پیشنهاد قوام در ۱۲ دسامبر همان سال مجلس ایران قانون واگذاری اختیارات تام و گسترده ای را به میلسپو تصویب کرد... در ۴ ماه مه ۱۹۴۳ مجلس ایران قانونی را گذراند که به موجب آن اختیارات فوق العاده مالی و اقتصادی کشور به میلسپو واگذارگردید.» منبع: تاریخ ایران از زمان باستان تا به امروز اثر یک گروه از دانشمندان آکادمی علوم شوروی سابق، (با استناد به رسانه های آن روز ایران) ترجمه کیخسرو کشاورزی رویه ۴۸۶

برای آشنا شدن خوانندگان با این شخصیت اقتصادی امپریالیستی بخش کوتاهی از کتابی را که ایشان در این مورد نوشته اند یادآوری می کنیم. همان منبع رویه ۵۰۹

«مستشارمالی و اقتصادی امریکا در ایران میلسپو در کتابی که به سال ۱۹۴۶ به نام «امریکیان و ایرانیان» منتشر کرد نوشت: ایران از لحاظ رسمی و حقوقی، مستقل و دارای حاکمیت شناخته می شود، چون استقلال و حاکمیت این کشور عملاً تحقق نمی یابد... استقلال اقتصادی برای ایران سیاسی نامعقول است و این پندار ناسیونالیستی ایران را باید از میان برد. . ناسیونالیسم ایران که به نام آن برای احراز استقلال ملی تبلیغ می شود بیمار و نشانه سلامت و رشد این ملت نیست... این پدیده یکی از عوامل فاسد و ارتجاعی است و ابدا عامل پیشرفت و آزادی به شمار نمی آید.»

با کاربردی شدن چنین سیاست های اقتصادی کارخانه های دولتی بایستی به فروش می رسید و استخراج معادن هم بایستی به شرکت های خصوصی واگذار می گردید. عمل کردی که ضربه سنگینی به صنایع ایران وارد کرد. پس از سقوط دولت امریکایی قوام نخست وزیر بعدی راه ویران گر او را دنبال نمود. دولت حکیمی طرح هایی به منظور فروش کارخانه ها و کارگاه های دولتی تهیه کرد در ژوئن ۱۹۴۸ با بحران های اقتصادی ناشی از کاربردی کردن مناسبات اقتصادی آمریکایی در ایران نتوانست باقی بماند و کنار رفت. دولت های بعدی هم با گرایشهای متفاوت راه اقتصاد پیشنهادی میلسپو را پیمودند. همان منبع رویه ۵۱۳ - ۵۱۲

رییس جمهور آمریکا (ترومن) برای از میان بردن بحران های اقتصادی کشور های جهان سومی و مقابله با جهان سوسیالیسم که با قدرت توده ی مردم مبارز جنگ جهانی دوم را به پیروزی رسانده و نازیسم و فاشیسم را به گور سپرده بود، در آن شرایط برنامه ای را مطرح کرد به نام «اصل ۴ برنامه ترومن» در نتیجه عملی شدن این برنامه در ایران « در سال ۱۹۴۹ واردات کالاهای آمریکایی به ایران (۲۰۹۶ میلیون ریال) تقریباً ۲۰ برابر صادرات ایران به آمریکا بود (۱۲۲ میلیون ریال)» در آن زمان دلار آمریکا معادل ۳۶ ریال ایران بود.

«امریکاییان با بهره بری از روش دمپینگ» در مورد تعیین بها، مقدارزایدی پارچه های نخی و کالاهای دیگر را که در کارگاه ها و کارخانه های ایران تولید می شدند، به ایران وارد کردند. رقابت کالاهای امریکایی باعث پیدایش بحران در صنایع داخلی ایران به ویژه در رشته بافندگی گردید، بسیاری از کارگاه های بافندگی در اصفهان و شهرهای دیگر ایران بسته شدند. . . در ۸ فوریه ۱۹۵۰ روزنامه اطلاعات از قول شورای وزیران ایران نوشت که فقط در یزد ۳۰ هزار بافنده بیکار یا به گدایی کشانده شدند. صادرات ایران به ویژه کالاهای کشاورزی به شدت کاهش یافت. . . سیستم مالی ایران بکلی از هم پاشید، بهای ریال پایین آمد. نرخ ارز دلار از ۳۶ ریال به ۷۵ ریال ترقی کرد. . . فقط در یک ماه ضمن آغاز سال ۱۹۵۰ تعداد ۲۰۰ فقره ورشکستگی بنگاه ها و تجارتخانه های ایران ثبت گردید. بینوایی و گرسنگی سرتاسر ایران رافرا گرفت.» در این میان تنها تحولی که رخ می داد تغییر دولت ها بود. همان منبع رویه ۵۱۴

در چنین شرایط اسف باری دولت های امیدوار به مناسبات سرمایه داری به خصوص نوع امریکاییش، به قرارداد نظامی پناه بردند.

«در ۲۳ ماه مه ۱۹۵۰ واشنگتن قرارداد تازه نظامی با ایران را امضاء نمود.» همه دیکتاتورها تنها منطقی را که می شناسند منطق نظامی گری و سرکوب خلق است. باید هر روز بیشتر به سلاح های جدید مجهز گردند زیرا تصور می کنند راز ماندگاری آنها در

قدرت نظامی است. با هزینه کردن منابع جامعه در این زمینه در عمل بحران های اجتماعی را تشدید می کنند، و از سوی دیگر از وحشت مردم به جان رسیده، برای سرکوب هر صدای اعتراضی تصور می کنند هر چه بیشتر باید نظام بحران زده را مجهز به انواع سلاح ها نمود. بدین گونه شرایط اجتماعی را به سوی تشدید بحران می رانند و به کندن گور خود، می پردازند.

همان منبع رویه ۵۱۱

«دولت حکیمی که قصد داشت از رشد طبقه کارگر و نقش آن در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور بکاهد، تلاش کرد تا از پیشرفت صنایع در ایران به سود امپریالیست ها جلو گیرد، طرح هایی به منظور فروش کارخانه ها و کارگاه های دولتی تهیه کرد.» این سیاست های ضد توسعه صنعتی کشور دامنه بحران را شدت بخشید، لذا این دولت هم در ژوئن ۱۹۴۸ کنار رفت. دولت بعدی «هژیر» هم با دنبال کردن همان راه و روش نتوانست دوام بیاورد. عاقبت حاکمیت، رییس ستاد ارتش، رزم آرا را کاندید ریاست دولت نمود. وابستگی اقتصادی و از میان رفتن صنایع کشور و بیکاری روز افزون با جابه جایی دولت ها حل شدنی نبودند. طبقه کارگر ایران و حزب او در اعماق قاعده جامعه قدرت مردمی بیشتری می یافتند، از سوی دیگر، طبقه متوسط و بخشی از بورژوازی ملی ایران جبهه ملی را تشکیل دادند تا استقلال ایران را پاسداری کنند و وابستگی به استعمار را به چالش بگیرند. نیروهای انقلابی ایران که در یک جامعه عقب مانده با نظام فیودالی - سرمایه داری تربیت شده بودند، نتوانستند یک جبهه متحد بر علیه سرسپردگان امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به جهان استعمار به وجود بیاورند.

از این رو کودتا با کمک امپریالیسم آمریکا که نمی خواست بازار ایران را از دست بدهد شکست خورد. پس از پیروزی کودتا وام ها از امپریالیسم نتوانست بحران های اجتماعی را کاهش دهد، ولی سرکوب خونین و ددمنشانه حاکمیت صدای مردم را خاموش نمود. به گونه ای که در جهان سطحی نگر ایران را، جزیره آرامش در میان توفان های انقلابی همسایگان با انقلاب ها و کودتا می دانستند. ولی به رغم اختناق و سرکوب شاهنشاهی و اصلاحاتی اقتصادی - اجتماعی هم چون اصلاحات ارضی و اصلاحاتی صنعتی در زمینه واردات صنایع سنگین به ایران، توفان مردمی همه ارتش و سازمان امنیت نظام را در هم پیچید و به گور سپرد. شعاری که توده های میلیونی را در یک جبهه قرارداد بود و بر اساس کلیت آن شعار، قانون اساسی کشور پس از انقلاب تدوین گردید، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. در دهه ی اول بعد از پیروزی انقلاب، آزادی، آن شعار بنیادی، با حذف چپ ایران و ندیده گرفتن صراحت قانون اساسی در مورد آزادی اندیشه همه مردم ایران، از میان رفت.

بدین جهت همه گروه ها و احزاب دگراندیش منحل اعلام گردیدند. با پایان دهه اول و پایان جنگ کودتای اصلی بر علیه اصل اول شعار بنیادی انقلاب و کلیت قانون اساسی آن کاربردی گردید. استقلال ایران با پذیرفتن تعدیل ساختاری و خصوصی سازی به چالش گرفته شد. اگر در دوران ساختارشاهی، قوام شجاعانه وابستگی به امپریالیسم آمریکا را عملی نمود. پس از انقلاب و پس از جنگ « دولت سازندگی » به رهبری آقای رفسنجانی این رسالت را به عهده گرفتند. مناسبات اقتصادی نو لیبرالی پیشنهاد صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، دو نهاد امپریالیستی به جای اصل ۴۴ قانون اساسی ایران قرار گرفت. تا کشور با نابودی صنعت و کشاورزی ش در عمل باز به دنباله ی حقیر امپریالیسم تبدیل گردد. این جناب تصور می کرد بابت این خوش خدمتی به نهاد های سرمایه داری جهانی مردم ایران او را به رییس جمهور مادام العمر تبدیل خواهند کرد. ولی با ناکامی از ریاست دولت کنار رفت. دولت های بعدی که بدون استثناء همان مناسبات را پیگیری می کردند و می کنند، با ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی درهای کشور را به روی واردات کالاهای خارجی باز کردند، و بدین گونه همان بلای دوره شاه را بر سر صنایع ایران آورده و می آورند.

در کنار سقوط صنایع ملی، با عدم کنترل استخراج و برداشت علمی از دیگر منابع کشور، منابع آبی، دریاچه ها و رودخانه های کشور را به سوی نابودی کشاندند، از سوی دیگر با واردات کالاهای کشاورزی، همان کالاهایی که در کشور هم تولید می شوند. کشاورزی ایران را هم به روز صنعت انداختند. بدین گونه بحران اقتصادی - اجتماعی در ایران را، به آن ابعادی رسانده اند که حتی همان اقتصاد دانان نولیبرالی که فریاد خصوصی سازی را سر داده بودند، با نگرانی پیشنهاد تغییر مناسبات اقتصادی را می دهند. (برجام دوم) کودتا بر علیه اصل ۴۴ قانون اساسی و همه اصولی که حقوق مردم را یادآوری کرده بود، باعث گردید بیکاری و فقر و فساد اخلاقی - اقتصادی در اجتماع گسترش داده شود. ولی سریال گرانی بدون توقف هر ساله، هم چنان تداوم داشته باشد. برای رسیدن به این هدف، دولت مردان نرخ های انرژی و دیگر خدمات را نسبت به جهان توسعه یافته قیاس می کنند ولی به عمد فراموش می کند مردم ایران به جز یک اقلیت سرمایه دار، قدرت خرید خود را از دست داده اند. و اگر قصد قیاسی دارند، در کنار قیاس نرخ انرژی یا... قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران ایران را هم با قدرت خرید مردمان و کارگران و حقوق بگیران آن جوامع قیاس کنند.

تشابه سیاست های دولت های پس از جنگ با دولت های پیش از انقلاب حیرت آور است. امروزه شاهد گام های نظامی حاکمیت در خارج از مرزهای ایران و قدرت موشکی او هستیم، مانند دیروزی که شاه با نیروی زمینی قدرتمندش و نیروی هوایی امریکایش پای از ایران بیرون گذاشت و انقلابیون ظفار را سرکوب نمود تا مانع رشد کمونیست در منطقه گردد. او به ژاندارم منطقه بودن خود، افتخار می کرد. ولی نمی دانست زمانی که ارزش

مصرفش برای امپریالیسم به پایان برسد مانند پدر قلدرش می باید گریان ایران را ترک کند. در شرایط موجود امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای تعدیل بحران های ویرانگری که مناسبات نولیبرالیسم خود ساخته اش برایش ایجاد کرده نیازمند جنگ است تا حداقل بخشی از چرخ دندانه های صنایع در کشور های بحران زده اش (صنایع نظامی) فعال گردد و از شدت بحران کاسته شود. سرمایه داری جهانی به خوبی می داند بحران بعدی که در راه است، با شدت بیشتری او را به چالش می گیرد از این رو توسعه خرافه پرستی و ایجاد نهاد های مذهبی واپس گرا در کنار نابودی نیروهای چپ برای تداوم حیات او به یک ضرورت بدل گردیده است. پس باید در مناطق نفت خیز جهان جنگ شیعه و سنی با شدت بیشتری کاربردی گردد. دامن زدن به این شرایط تحت هر نام و هدفی، منافع کلیدی امپریالیسم را پاسداری می نماید.

در کنار واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی از مناطق آزاد تجاری - صنعتی، توسعه صنایع نظامی که از نظر اقتصادی تنها هزینه های نجومی را بر دوش جامعه می اندازد بحران اقتصادی - اجتماعی موجود را وادار به شتاب بیشتری خواهد کرد. به خصوص در این شرایط تسلط قوانین بازار «آزاد»، که دولت حق دخالت بر واردات و صادرات کالا را با وجود مناطق آزاد تجاری - صنعتی، از دست داده است. حتی اگر در صورت محال، در ایران دولتی مایل به تغییر در مناسبات اقتصادی، بر سر کار بیاید، مناسبات موجود او را فلج می نماید مگر این که به یک تغییر بنیادی در این مناسبات نولیبرالی اقدام گردد. از سوی دیگر توسعه صنایع نظامی به دلیل عدم توانایی این صنایع در رقابت با مشابه امپریالیستی آن، ارزش صادراتی ندارند و تنها ارزش مصرف داخلی دارند که درآمد زا نخواهند بود. در عمل هزینه های سنگینی بر دوش جامعه می اندازد و می شوند مانعی در روند رشد و توسعه صنایع و کشاورزی کشور، البته با جذب درصد بالایی از بودجه کشور.

تاثیری این دو کودتا در دو حاکمیت به ظاهر متفاوت بر طبقه کارگر ایران، یک سان و ویرانگر بوده است. در زمان دیکتاتوری شاه و دولت های وابسته به سرمایه داری جهانی ش (همان منبع رویه ۶۱۴) « در پایان آوریل ۱۹۷۶ » قانون کیفری اخلال گران در صنایع « (منظور فعالان کارگری است) تصویب شد. (طبق معمول همه نظام های دیکتاتوری، نمایندگان مجلس که مشتی بله قریان گو بیش نیستند، با اکثریت آرا آن قانون را مهر تایید زدند.) به موجب این قانون، کیفر مرگ یا اقلا ۱۵ سال زندان برای «اخلالگران» در صنایع کشور تعیین گردید، حتی گروه های ویژه ای برای حفاظت در صنایع تولیدی، مامور گردیدند»

مشابه این دستورالعمل های شبه قانونی و امنیتی در صنایع تولیدی در دوره ی دولت های پس از جنگ هم کاربردی شده است، که همان هدف ها را دنبال می کنند. البته همراه با حذف قانون کار و سپردن اختلاف های کارگران با سرمایه داران اسلامی، به احکام شرع

و کیف‌رهایی مانند زندان‌های طویل‌مدت و شلاق برای اعتراض به عدم دریافت حقوق‌های پرداخت‌نشده به وسیله سرمایه‌داران اسلامی که با خزیدن به زیر پرچم دین؛ سودهای نجومی را راهی آن سوی آب نموده‌اند و گرین‌کارتشان را حتی هنگام دستشویی رفتن از خود جدا نمی‌کند. احکامی که برخلاف اصول قانون اساسی کشور است. قوانینی که در ظاهر هنوز بدان استناد می‌کنند و به این دولت‌ها مشروعیت داده است.

حق ایجاد تشکیلات صنفی در قانون اساسی ایران صراحت دارد. همان‌حقی که کاسبکارها و سرمایه‌داران برای دفاع از حقوق خود و برعلیه منافع کارگران و حقوق‌بگیران ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های کوچک و بزرگ صنفی سرمایه‌داری قانونی و بدون دخالت‌نهادی دولتی برعلیه حداقل حقوق کارگران تبلیغات وسیعی را اعمال می‌کنند. ولی کارگران از این حق محروم شده‌اند و در صورت ایجاد تشکلی تحت نام اقدام علیه امنیت ملی باید کیف‌رهای سنگینی را انتظار داشته باشند. با پذیرفتن مناسبات نولیبرالی توسط حاکمیت پس از جنگ، مسیر تحولات اجتماعی همان راهی را می‌رود که دیکتاتوری شاه رفته بود.

تنها پیراهن‌های کراوات‌خورده بی‌یقه شدند و بس. با وجود این همه سد‌های باز دارنده در ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری اگر امروز وارد تلگرام شوید، شاهد اشکال اولیه تشکل‌های مستقل کارگران قرارداد موقت خواهید شد که حول اشتغال و جستجوی کار برای یک دیگر، جمع و تشکل‌های خود را دارند سازمان می‌دهند. از سوی دیگر، برغم سرکوب‌های بی‌رحمانه سندیکالیست‌ها مستقل، سندیکاها هنوز زنده‌اند. برخی کارگران پروژه‌ای (قرارداد موقت ایران) باور دارند که برای رهایی ایران از یک فاجعه تجزیه و تلاشی و تبدیل شدن آن به چند کشور کوچک، همان «تزویش پدر» باید حاکمیت موجود اگر توانایی ایجاد و درک یک مناسبات اقتصادی مردم‌گرا را ندارد، حداقل از کشورهایی الگو برداری کند، که به نولیبرالی پشت کرده‌اند و بدین‌گونه توانستند با توسعه صنعتی، جزو ۲۰ کشور صنعتی جهان قرار بگیرند، مانند کشور برزیل. یا هم چون کشور چین که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورش راپذیرفته ولی به دام خصوصی‌سازی نیفتاده است و سرمایه‌داری دولتی آنها در کنار بخش خصوصی در رقابتی سازنده، چین را به دومین اقتصاد جهان بدل کرده است.

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای ایران

سخن‌گو ناصر آقاجری

۹ آذر ماه ۱۳۹۶

گفتگوی کارگران پروژه ای با خبرنگار پیام سندیکا (۱)

پیام سندیکا: خواستم گزارشات کارگری خودتون رو با عنوان نام شرکت و همچنین آسیبها و مشکلاتی که در محیط کارگاهی خودتون با اون روبرو هستین بیان بفرمایید

درود بر شما. برادر من پیش پیمانکار مپنا بودم به نام اکرمی و حیدری من آخرین حقوقی که دریافت کردم بعد از ۵ ماه. قرار بود عیدی من پرداخت کنن ولی متأسفانه پرداخت که نکردن. هیچ کسی جوابگو من نیست و متأسفانه تو کار هم همش دزدی میکردن دور از دید کارفرما لوله‌های که تست روی اونها انجام گرفته بود برای تنظیم کردن برش میزدن و فقط پاس روح اونها را تکزن دور از دید کار فرما بل اجبار می گذاشت جوش بزنه

پیام سندیکا: پیمانکار مپنا کدوم شرکت هست؟..

کل فیترها را به اجبار روی خط لوله می گذاشت می گفت بُبرید درست کنید. برش که تمام میشد درخواست جوشکار میدادی جوشکار نمی داد دو نفر نگهبانی میداد که کارفرما نبینه تکزنی که بلد نبود تک هم بزنه فقط پاس روش جوش میزد. تمام سرهای که خراب کاری کرده بالای ۱۰۰۰ اینج می باشد

پیام سندیکا: پس نظارت چطور اوکی کار رو میداد؟

قبلش لوله ها تمام تست روشن انجام گرفته بود وقت کار تست پکیچ بود نظارت فقط ترازیشون تحویل می گرفت کار با جوش نداشت

پیام سندیکا: آها.. یعنی مرحله رادیوگرافی رو هم گذرونده بودن؟..

آره چون که پیمانکاری قبل از اونها اونجا بودن اجازه برش بهشون نمی دادن اینها هم هر جا مشکل داشتن سر جوشهای پیمانکار قبلی را می بریدن

پیام سندیکا: عسلویه یا بندرعباس کار میکنند؟

یعنی هر فقط که لازم باشه حاضرم برم تک تک خرابکاریاشون نشون بدم که موقع استارت کار جون بچه ها به خطر نیوفته من الان ۵ ماه بیکارم قبلش فاز ۱۴ بودم. الان ۱۶ ساله بومی کنکام

پیام سندیکا: مینا کدوم فاز یا پتروشیمی هست؟

فاز ۴ اکنکان

پیام سندیکا: اگه یه وقت بتونیم گزارشگری بیاریم تا در مورد وضعیت حقوقی و مسایل پروژه ای باهاشون همکاری بکنین.. امکانشو دارین در این مورد همکاری بکنین؟

حتما شک نکن



گفتگوی کارگران پروژه ای با خبرنگار پیام سندیکا (۲)

پیام سندیکا: سلام خسته نباشید. من عضو اکیپ پروژه ای هستم. بفرمایید.

سال ۹۳ شرکت سپکو فاز ۱۳ کارکردم هنوز پولام نداده. برج ۶ سال ۹۳ مجمع طلبم شد دومیلیون ونیم. در این مورد چکاری می تونید بکنید.

پیام سندیکا: ما فقط میتونیم با سند رسوا و اطلاع رسانی و تحریم کنیم اما مسئول پیگیری حق تک به تک نفرات نیستیم و خودمون کارگریم. کدوم پیمانکاری هستید؟

پیمانکاری خدارحم قاسمی و نورعلی قربانی کیا. کمکی بودم اون موقع. والا لیسانسم. تاچندماه پیش فاز ۱۳ بودم کارتمام حالا بیکارم. تکزنی و فول آرگون کارکرده. برج ۵ کارشرکت تمام شده. قربانی پیمونکار گفت شرکت پول نداده. یه وکالت نامه ثبتی بدین پیگیر بشم. هممون وکالت دادیم یکسال پیش. ولی بازم میگه شرکت نمیده. خودمم حتی تابستون فاز ۱۳ بودم رفتم پیش کارفرما. گفت سپکو از اینجا رفته و هیچکس جوابگوم نبود و سرم پیچوندن. منم تنهایی کاری از دستم برنمیومد.

والا فعلا که نداده. بخدا حتی سال ۹۴ جمع شدیم درب فاز بستیم ولی پاسگاه اومد جمعمون کرد. گفت برین شکایت کنین. پیمونکارمون هم شکایت کرد و این اون ماه کردن. اخرشم هیچ. صبح درب فاز بستیم عصرش پاسگاه اومد جمعمون کرد. بخدا حتی بعضی هامونم شب بازداشتگاه خوابیدیم. نزدیک ۴۰ نفر بودیم. شایدم بیشتر. بعضی از کارگرا هم نیومده بودن برا اعتصاب. دستت درد نکنه همین قدر که درد دلم و شنیدی ممنونم.

گفتگوی کارگران پروژه ای با خبرنگار پیام سندیکا (۳)

خبرنگار پیام سندیکا: درود بر شما

کارگر: سلام بر شما و همکاران گرامیتان که برای گرفتن حق و حقوق کارگران و واکنش به بی احترامی به حرمت کارگر را بصورت جدی و صادقانه پیگیری و دنبال می کنید. من هم یکی از همین اعضای ستمدیده هستم و هیچ گونه فرقی بین ما که یعنی لول کاری و سمت مان بالا تره با اون کارگر روزمزد وجود ندارد. میخوام بگویم که الان در فاز ۱۴ شرکت پایندان مشغول هستم که از عید تا الان حدود ۱۷۰۰ کارگر داشته که همه را اخراج نموده و فقط حدود ۱۵۰ نفر کارگر در پروژه مانده اند. در سال جدید فقط بیمه فروردین را پرداخت کرده است. دیگر هیچ. حتا اسفند پارسال رو هم واریز نکرده است.

به همین خاطر هم با چندین بار اعتصاب و بستن درب ورودی تازه حقوق تیرماه را پرداخت کرده است. خواستم این موضوع را بگویم که حقیقت این است که کارگران از گفتنش ترس دارند که چرا بیمه ما را واریز نمی کنی. ۱۵۰۰ کارگر هم رفته اند بدون اینکه بیمه هایشان پرداخت شده باشد.

از اینکه خبرهای ما را منعکس می کنید صمیمانه از زحمات بی دریغ شما سپاسگزارم.

گفتگوی کارگران پروژه ای با خبرنگار پیام سندیکا (۴)

بنده در شرکتی به نام توان گستر در پالایشگاه بندر عباس کار کرده ام. با اینکه گزارش کار و صورت وضعیت امضا شده و ولی مدیر عامل اون شرکت پول کارگران را تسویه نکرد. رفتیم شکایت کنیم. وکیل گفت اولش باید ۱۰ ملیون بدهید.

خبرنگار: کارگر چی بودین؟ کارگر: تیوب کاری بخش ابزار دقیق

خبرنگار: همیشه بگین حرف حسابشون چی بود که پول نمیدن؟..

این شرکت کلن کارش همین بود. تا به حال بیشتر از ۱۰۰۰ شکایت از طرف کارگران شده اگر بروید اداره کار بندر عباس بیشتر شکایت ها مال این شرکت است. ولی این شرکت پارتی خیلی کلفتی دارد، به صورتی که چند ماه پیش کارفرماش که شرکت ecc بود رو اخراج کردن و این شرکت و به عنوان کارفرما معرفی شد. حتماً ملی مهندسی هم که بهش گیر می داد، سر کارهایی که خراب کرده بود و از کار می دزدید، اونم یه جوری ترتیش رو دادن. شگردشون اینه که یه مدت کارگرا رو نگه میداره و کارشو انجام میده و بعدشم موقع پول دادن طفره میره و کارگر دیگه ای می گیره. هر چی هست پارتی خیلی کلفتی داره. به خدا قسم این شرکت در حد یه پیمانکار رده ۴ هم نیست. من دوتا پالایشگاه کار کردم ولی پالایشگاه قدیم بندر عباس بیچارم کرد. مدیر عامل این شرکت آقای توکل بود دفترشون شیرازه. کارگران خیلی از دستشون شاکی هستن

خبرنگار: به چه نحوی دزدی میکنن از کارگراها؟..

یه قرارداد من درآوردی خودشون تنظیم میکنن، بیمه رو از حقوق کم میکنن، عیدی و سنوات نمیدن، جمعه ها رو نصفه حساب میکنن، ساعت کاری رو ۱۲ ساعت میکنن ولی پول ۱۰ ساعت رو میدن، هزینه رفت و آمد نمیدن، از کمترین امکانات رفاهی استفاده میکنن، از بی کیفیت ترین نوع غذا و حقوق و بعد از ۵ ماه حقوق میدن. خیلی مسائل دیگه هم هست که طولانیه که تایپ کنم

خبرنگار: آیا بغیر از خودتون کسان دیگری رو میشناسین که مثل خودتون به این وضع گرفتار باشن؟

بیشتر از ۱۰۰ نفر. شرکت های توان گستر، آبدراهان، جهانپارس، ستاره تراز، سینا گیت

بنام دادخواهی و بنام پاکی و راستی



ندای مطالبه‌گری حقوقی کارگران پایانی نخواهد داشت تا زمانی که ستم و ستمگری همچنان کارگران را ابزار ببیند و بر حقوق قانونی آنان بیرحمانه بتازد.

کارگران شرکت بحر انرژی قشم فاز ۲۰ و ۲۱ در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۲ تعداد ۶۳۰ نفر از هفتصد نفر کارگران اعتصابی را که در خواست دستمزد قانونی خود را پس از چند ماه کرده بودند تسویه و بلک لیست نمود.

این کارگران نه اغتشاش، نه شلوغی و نه بی ادبی کرده بودند. فقط خواستار حقوق قانونی خودشان بودند؛ اما کارفرمای فاز ۲۰ و ۲۱ تنها راه فرونشاندن جسارت کارگران را تسویه و بلک لیست می‌بیند و اینگونه بدون هیچگونه جوابی برای درست شدن وضعیت حقوق کارگری نزدیک به هفتصد خانواده را نگران و آزرده خاطر می‌نماید و این به دور از انسانیت و به دور از امنیت ملی و میهنی است.

گزارشگر: وارتان خرم‌دین، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

خبرنگاران پیام سندیکا از شرایط کار در کنگان می گویند!

سلام. همکاران من بعد از چند ماه بیکاری و بعد از کلی رایزنی و تلاش موفق شدم کار پیدا کنم. نکته جالب و عجیب و متأسفانه ناگوار این مطلب اینه که بخاطر شرایط واقعا نابسامان منطقه کنگان جایی نرفتم سر کار و بیکار بودم. خلاصه با کلی آشنا و سفارش قرار شد که برم موسسه عمران ساحل مشغول بشم و گفتن چند روز آزمایشی کار کنم بعد در مورد شرایط و حقوق صحبت کنیم.

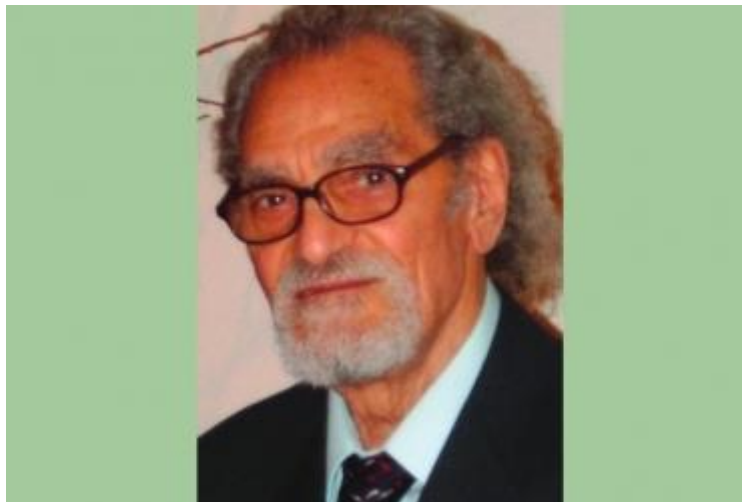
دوستان موقع صحبت به موضوعی برخوردیم که حدودن یک ساعت کلن هنگ کردم. نمی دونستم چی بگم و چکار کنم خیلی دیگه بی شرمیه و بی عدالتی، با کمال خونسردی گفتن که شما بصورت روزمزد هستی و هیچ چیز غیره حقوق بهتون تعلق نمی گیره

۱- سی روز کار بدون تعطیلی ۲- بیمه نمیشی یعنی بیمه تامین اجتماعی ندارید
 ۳- خوابگاه و غذا نداریم. اگر رییس کارگاه بخواه شاید این موارد رو بهت بدن. یعنی به معنای واقعی بردگی ۴- پرداخت حقوق هر موقع از بالا دستور بدن از سه تا هشت ماه و حق اعتراض ندارید ۵- مبلغ حقوق روزی صد تومن با ۱۲ ساعت کار.

نمیدونم این شرایط رو چطور میشه تحمل کرد. واقعن باید به حال خودمون گریه و زاری کنیم.. آینه شرایط کار گری... ودر ضمن تعداد زیادی دارن کار میکنن از بنا تا معمار و کمکی تا جوشکار فول تست که میگن جوشکار یعنی همه کاره.

فقط باید سندیکا رو قدرتمند کرد و کارگر رو به سنگر خودشون دعوت کرد تا به این شرایط بردوار خاتمه داد.

حمزه کارگر پروژه ای



مطلع شدیم که نعمت ناظری، مترجم و ویراستار و روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و سندیکالیست برجسته، در روز ۳ آذر چشم از جهان فرو بست.

ناظری از دهه ۱۳۴۰ به "سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران" پیوست که متأسفانه پس از انقلاب آن را مثل خیلی از سندیکا‌های دیگر به تعطیلی کشاندند. نعمت ناظری سندیکالیست برجسته‌ای بود و در سال‌های فعالیت در سندیکا، در سمت‌های بازرس، عضو شورای داوری، عضو هیات مدیره، و دبیر سندیکا خدمت کرد. تلاش بی‌وقفه او در تشکیل و مدیریت صندوق تعاون مسکن و نیز صندوق بیمه سندیکا، که منجر به تأمین مسکن برای اعضای سندیکا و بیمه عمر شد، زبانزد همه اعضا بود.

در روزهای پرتلاطم اعتراضات مردمی در سال ۱۳۵۷، ناظری که در آن زمان عضو هیات مدیره سندیکا بود، در کنار هم‌زمان سندیکایی‌اش، نقش فعال و برجسته‌ای در دو اعتصاب بزرگ مطبوعات در مهر و آبان ۱۳۵۷

داشت که در اعتراض به سانسور مطبوعات و در همراهی با مبارزه همگانی ضددیکتاتوری مردم صورت گرفت.

در فاصله‌ی ماه‌های تیر تا بهمن ۵۷ به دستور داریوش همایون وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی و به اشاره‌ی ساواک، حق ورود به موسسه‌ی اطلاعات از او گرفته شد. در همین دوره‌ی کار در روزنامه‌ی اطلاعات بود که حکومت نظامی تهران او و سه هم‌رزمش را در دی ۱۳۵۷ بازداشت کرد که پس از چند روز بر اثر تلاش سندیکا و اعتراض‌های مردمی آنها را آزاد کردند و مردم با حلقه‌های گل آنها را به محل کارشان بازگرداندند.

اعتقاد راسخ به عدالت اجتماعی و بهروزی زحمتکشان، سخت‌کوشی، فروتنی، و احترام به کار و خرد جمعی از صفات ویژه‌ی نعمت ناظری بود. او در مصاحبه‌ای به مناسبت ۹۰ سالگی‌اش، در پاسخ به پرسشی در مورد به یاد ماندنی‌تری خاطراتش این‌طور پاسخ داد: "بسیار دشوار است که از میان خاطره‌های تقریباً ۷۰ سال کار اجتماعی و سیاسی و مطبوعاتی و سندیکایی یکی را برگزید. اگر به سی‌چهار سال اخیر قناعت کنیم، باید بگویم موفقیت‌های سندیکا در امر تشکیل روزنامه‌نگاران و ارائه‌ی خدمات صنفی و رفاهی، اعتصاب‌های پیروزمند مطبوعات در آستانه‌ی انقلاب بهمن، پیروزی خود انقلاب شکوهمند بهمن در پایان دادن به رژیم شاهنشاهی و فعالیت‌های نسبتاً آزادانه‌ی مطبوعاتی و سیاسی در فضای پُرشور ماه‌های نخست پس از پیروزی آن انقلاب، که همگی حاصل کار و خرد جمعی خدمتگزاران و زحمتکشان و آزادی‌خواهان میهن‌مان بود، جزو به‌یادماندنی‌ترین و شیرین‌ترین خاطره‌های من است."

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران فقدان این سندیکالیست را به خانواده و همه مبارزان سندیکایی تسلیت می‌گوید.

از اعتصابات کارگری بیاموزیم!

اعتصاب در سه دباغ خانه تبریز در آبان ۱۲۸۷

در سه کارخانه دباغی تبریز که مجموعاً ۱۵۰ کارگر مشغول به کار بوده‌اند، تحت رهبری سوسیال دموکراتها اعتصاب شد. در این اعتصاب کارگران وحدت عمل شایانی از خود بروز دادند، صندوق اعتصاب تشکیل دادند و کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان انتخاب کردند. تقاضاهای کارگران عبارت بود از: ۱- افزایش مزد برای هر قطعه چرم از یک به ۱/۵ شاهی ۲- استخدام و اخراج کارگران و شاگردان با موافقت کارگران ۳- ایجاد شرایط بهداشتی برای محیط کار ۴- تأمین مداوای بیماران در مدت بیماری از طرف صاحب کار ۵- پرداخت نصف مزد در طول مدت بیماری ۶- کاهش زمان اضافه کار ۷- پرداخت دو برابر مزد معمولی برای ساعات اضافه کار ۸- عدم اخراج کارگران در طول اعتصاب و عدم جایگزینی با دیگر کارگران ۹- پرداخت مزد ایام اعتصاب ۱۰- خودداری از هر گونه اخراج

اعتصاب بعد از سه روز با موفقیت نسبی پایان یافت. انجام تقاضاهای شماره ۱ و ۸ و ۱۰ از طرف کارفرما مورد قبول قرار گرفت.

هرگاه یکی از کارفرمایان به توافق وفادار نمی‌ماند و سرکارگر عضو کمیته مذاکره کننده را اخراج می‌کرد، کارگران از سلاح تحریم علیه او استفاده می‌کردند. کارگران به پیشنهاد اندرزگران سوسیال دمکرات خود، نخست برای سرکارگر اخراج شده کاری دیگر می‌یافتند. سپس نامزدهایی را که قرار بود بجای او بکار گماشته شوند، ترغیب می‌کردند که از تصدی شغل او تن زنند. با اینکه کارفرما برای تصدی شغل سرکارگر اخراج شده مزایای بیشتری را قایل می‌شد، هیچکس برای تصدی آن شغل داوطلب نمی‌شد.

سهامداران کارگر، قربانی فساد شبکه اقتصادی کشور

با توجه به اطلاعات و تصمیماتی که در بالا رفتن قیمت سهام شرکتی مثل ذوب آهن اصفهان تاثیرگذار است، که در اختیار مدیران و نزدیکان آنها است. مسئولین شرکتها و مدیران از باند و نزدیکان وزرا و مدیران رده بالای اقتصاد و دولت و یا سازمانها و نهادهایی مثل شستا و تامین اجتماعی و صندوق فرهنگیان هستند و طی این چند سال، شاهد فساد و دستکاری در قیمت سهام و یا اخبار دروغ برای بالا و پایین بردن قیمت توسط سهامدار حقوقی بوده‌ایم.

در این بین مردم و سهامداران کوچک و خرد ضررهای بسیاری نموده‌اند؛ مانند کنتورسازی و... جالب اینجاست که سازمان بورس و اوراق بهادار، حسابرس و بازرس قانونی، اداره ناشران بورس و ناظر بازار که تابلو معاملات بورس را رصد می‌کنند از این تخلفات آگاهند اما هیچ‌گاه جلو این تخلفات گرفته نمی‌شود!

به عنوان مثال زمانی که قیمت‌ها در حال معامله شدن و بالا رفتن است، قیمت‌ها را پایین می‌آورند و زمانی که سهامداران حقیقی ترسیدند، از ترس کاهش بیشتر، سهم خود را می‌فروشند و سهامداران حقوقی سعی در خرید نازل سهم می‌کنند و این رویه مدت دو سال است که در ذوب آهن ادامه دارد. مضاف بر این‌که هر زمان سهم در حال رشد بوده سهم را کاهش دادند و یا برای مدت طولانی سهم از طرف بورس و بدون دلیل منطقی بسته شده است و اطلاعات و آمارهای غلط مندرج در صورت‌های مالی نیز توسط هیچ مرجعی رسیدگی نمی‌شود. اکنون حدود یک‌سال است کلیه قیمت‌های جهانی فولاد، سنگ آهن، زغال سنگ و نهادهای تولید به همراه قیمت دلار باعث رشد و سودآوری چند برابر ذوب آهن اصفهان شده. از آن طرف قیمت‌های جهانی میلگرد، تیرآهن، گندله، ریل آهن و... حدود دو برابر شده ولی اثرات آن هنوز مشاهده نشده و مسئولین سعی در پنهان کردن این سود دارند و در صورت‌های مالی و پیش‌بینی‌های ماهانه و سه ماهه و شش ماهه این اثرات مثبت گزارش نشده است. جالب اینجاست که سود اصلی به جیب دو شرکت «دوارت» و «پوپیش بازرگان» که توسط خود مسئولین و مدیران ذوب آهن در کشور عمان تاسیس

شده و فروش محصولات ذوب آهن توسط آنها انجام می‌شود، می‌رود و سهامدار این دو شرکت نیز خود مدیران ذوب آهن هستند! اما سهامداران ذوب آهن با دارا بودن ۳۳ میلیارد سهم بزرگترین تولید کننده آهن و فولاد خاورمیانه و صادر کننده بیش از یک درصد ارزش پولی کل صادرات ایران، از آن بی‌نصیب هستند ولی در مصاحبه‌های مدیر عامل، مدیر مالی، مدیر فروش و امور سهام و نماینده سهامداران عمده مثل تامین اجتماعی و فرهنگیان، مردم و سهامداران خرد را له کرده‌اند و به آن‌ها اهمیت نداده و پاسخگو نیستند. این افراد سهامداران خرد را متوهم خوانده و اعتراضاتی را که طی این مدت به سازمان بازرسی، نهاد بازرسی بیت رهبری، وزارت اقتصاد، وزارت معدن، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و جراید ارسال شده، بایکوت کرده‌اند و هیچ‌کس هم فریادرس نیست.

سرمایه ما مدت‌هاست بلوکه شده و هیچ رشدی نکرده که هیچ، زیان هم کرده‌ایم! همین چند روز پیش در نمایشگاه بین المللی بود که سهامداران اعتراض کردند و مدیران و مسولین شرکت ذوب آهن خواهش کردند که چون میهمانان خارجی و بازدید کننده‌ها در نمایشگاه هستند، به سالن جلسات برویم و در آنجا به حرف شما گوش کرده و ترتیب اثر می‌دهیم و نامه اعتراضی سهامداران را به وزیر می‌رسانیم، ولی به محض تمام شدن نمایشگاه، باز همان وضعیت ادامه دارد تا جایی که «امید قائمی» تعداد سهامداران معترض را بیست نفر عنوان کرد و گفت: این‌ها سهامداران مهمی نبوده‌اند! از شما خواهش می‌کنیم این اعتراضات را رسانه‌ای نکنید.

کارگر ذوب آهن اصفهان

«سرمایه داری هراس عمیقی از سازمان یافتگی جنبش کارگری و تاثیرهای آن بر جنبش عمومی آزادیخواهی دارد و از این رو در سال‌های اخیر همه تلاش‌های خود را به کار بسته است تا از نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک زحمتکشان در کنار دیگر سازمان‌های اجتماعی جلوگیری کند.»

دروء به کارگران سرزمینم.....

همانگونه که می دانید فقر اقتصادی عامل مستقیم سیستم نابسامان اجتماعی است و در این رابطه هیچگونه تردیدی وجود ندارد و نخواهد داشت. ما که از آشیانه هایمان و دور از خانواده و محیط اجتماعی و فرهنگیمان روزی ده ساعت تمام را در پروژه های صنعتی می گذرانیم و باقیمانده زمان خود را صرف آمد و شد به سر کار و حمام روزانه و صرف خوراک می گذرانیم و پس از آن بایستی خستگی حاصل از کار روزانه را با استراحت سپری بنماییم، اما برای ما استراحت معنایی نخواهد داشت؛ چرا که بی مهریهای چپاولگران حقوقیمان راه تفکر انتقادی و خلاقانه را به روی ما بسته است و برای رهایی از این وضعیت نابسامان که به بیگاری خوی گرفته ایم به ناله و سودا افتاده ایم و به نوعی نقشه ها و برنامه ریزیهای خود برای موفقیت را از یاد می بریم و در قسمت زیرین لایه های ذهن خود سرکوب می نماییم و فقط به راههایی دل بسته ایم تا بتوانیم خودمان را با شرایط موجود وفق بدهیم.

ما به دنبال راه چاره ای فقط برای سیر کردن شکم خود و فرزندانمان هستیم و بسیار هم افتخار می کنیم و بر خود می بالیم که در این بازار سیاه دلالی و فساد بازار و کسب و کار به نوعی خودمان را مشغول نموده ایم و جوابگوی نیازهای اولیه و مادی خانواده خود می باشیم تا مبادا به خاطر دور ماندن از روزدن به این و آن برای درخواست پنجاه یا صد هزار تومان که شاید کسانی جواب ما را هم ندهند شرمنده خانواده و آشنایانمان نباشیم.

شرایط سخت و طاقت فرسای کار و سوز شرجی و نگاه کج و طلبکار کارفرما که هر ریال دستمزد کارگر به جانش بسته هست و می خواهد برای فرونشاندن عزت زحمتکشان ترشرویی خود را رونقی دوباره دهد و ژست ارباب رعیتی دوران فئودالیت را پیشکش جان خسته اش بنماید. او با تردستی تمام و هیبتی ددمنشانه در پارس جنوبی عسلویه در قبال ۲۶۰ ساعت کاری در ماه به کارگری که تمام وقت مشغول کار هست یک میلیون ۳۰۰ هزار تومان میدهد و همین مقدار چندرغاز را هم از او دریغ میدارد و تا چهار ماه تمام کارگران را با تندی جواب میدهد که حق اعتراض نخواهند داشت و در غیر اینصورت چون

از وضعیت و شرایط کاری راضی نیستند از کارکردن معاف هستند و به گفته خودشان ما کسی را به زور وادار به کار نمی کنیم و راه باز هست و جاده دراز..

وقتی که من از این کارگران اجرایی سیویل که در نیروگاه سیکل ترکیبی نیروگاه بوستان و عسلویه به کارفرمایی مپنا در شرکت پیمانکاری فرخا مشغول به کار هستند در مورد جسارتشان برای اعتراض به شرایط حقوقی سخن می گفتم آنان چنین به من گفتند که: «جواب اعتراض کردن تسویه هست و ما نمیخواهیم بیکار شویم و از ساده ترین حقوق قانونی خودمان که حق اشتغال هست محروم بشویم.»

ما خوب میدانیم که معنای بیکاری مساویست با جدال زندگی و مرگ، مساویست با شکسته شدن عزت نفس و سرخوردگی، مساویست با حقارت درون.. اعتراض کردن به قیمت نابودی کارگر و بر هم خوردن شیرازه زندگانش منجر خواهد شد و این شیوه سرکوب زحمتکشانی ستمی آشکار بوده و هست و هیچ وجدان و عاطفه انسانی، در تمام دورانها از چنین محاکمه ددمنشانه ای حمایت نخواهد کرد. دیر زمانی است که جسارت در وجود ما مرده است و دیگر به آواز خوش زندگانی گوش نمی دهیم و فقط ترانه های افسردگی ما بر پهنه این رود مترنم است و دیگر آوازی که بوی نشاط و سرزندگی بدهد از نای وجودمان برنمی خیزد. چگونه میتوانم حقارت درون خویش را که از سیستم نابسامان دلالی و خصوصی سازی به عقده های هراسناک روی آورده است فراموش بنمایم؟!... در این سرزمین زیبا که متعلق به ما کارگران است نباید طعمه سودجویی عده ای بی وطن دلال شود. ما باید در سندیکاهای کارگری خود گرد هم آییم و با اتحاد خود این سیستم ظالمانه را برای ابد برچینیم. نباید فرزندان ما در چنین شرایط غیر انسانی زندگی کنند و بر ماست که استین بالا بزنیم و متحدانه مبارزه کنیم.

با سپاس (وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

ایران ۱۳۹۶/۸/۲۵)

بی قانونی سکه رایج روز!



بازنشستگان مشمول قانون سخت و زیان آور صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز توجه کنند!

بازنشستگان مشمول قانون سخت و زیان آور صندوق آینده ساز از حق میانگین محاسبه دو سال آخر حقوق مورد تبعیض آشکار در کل کشور قرار گرفت. میزان مستمری بازنشستگان طبق بخشنامه، براساس دو سال آخر بیمه پردازی تعیین گردیده است. براساس ماده ۳۱ قانون برنامه پنجم توسعه، بخشنامه ای تحت عنوان بخشنامه شماره ۶۰ وجود داشت که دو سال بیمه پردازی بیمه شدگان مبنای محاسبه پرداخت مستمری فرد محسوب می شد؛ اما چنانچه این دو سال دستخوش دستمزد نامتعارف در طول بیمه پردازی این افراد، قرار می گرفت سازمان تامین اجتماعی میانگین پنج سال آخر را محاسبه می کرد. اما طبق ماده ۸۲ قانون برنامه ششم توسعه، این قضیه منتفی شد و از ۲۵ تیرماه ۱۳۹۶ بخشنامه ای با شماره ۱ / ۶۰ صادر شد که از اول فروردین سال ۱۳۹۶ میزان مستمری براساس قانون اصلاح ماده ۷۷ و تبصره ذیل مصوب ۱۶ اسفندماه ۱۳۷۱ با رعایت سایر قوانین و مقررات تعیین می شود؛ یعنی برای تعیین میزان مستمری بازنشستگان، دو سال آخر محاسبه می شود. به همین منظور بخشنامه ۶۰ برای محاسبه میزان مستمری بازنشستگان لغو و مبنای این محاسبه، بخشنامه ۱ / ۶۰ جایگزین شد.

﴿مناظره خواندنی فیدل کاسترو با پاپ ژان پل دوم﴾

﴿به مناسبت ۲۵ نوامبر؛ اولین سال بدون فیدل کاسترو﴾

﴿پاپ ژان پل دوم پاپ اسبق کاتولیک‌های جهان در سال ۱۹۹۸ به کوبا سفر کرده بود. در این ملاقات پاپ ژان پل دوم از باب ارشاد و نصیحت به فیدل کاسترو گفت: آیا شما به کلیسا ایمان دارید؟ "فیدل با زیرکی جواب داد: آیا شما خود به خداوند ایمان دارید؟" !

"﴿پاپ که از این پاسخ جا خورده بود چند لحظه سکوت کرد و گفت: مردم عادی به خداوند ایمان دارند، چطور ممکن است من در مقام جانشین عیسی مسیح به خدا ایمان نداشته باشم؟" سپس کاسترو گفت: خیالم راحت شد زیرا به خاطر سکوت شما در برابر تجاوزات نظامی امریکا در گوشه و کنار جهان و کشتار انسان‌ها و نشان ندادن واکنش در برابر این جنایات و عدم حمایت از مظلومین جهان تصور می‌کردم شما بی‌خدا هستید!"

﴿پاپ که از سخنان کاسترو برآشفته شده بود و این عبارات را توهین به خود و پیروان کلیسای کاتولیک تلقی می‌کرد خواست جلسه ملاقات با کاسترو را ناتمام ترك کند. اما کاسترو او را به تحمل و نشستن دعوت کرد و خطاب به او گفت: اگر شما خود را نماینده عیسی مسیح در زمین می‌دانید و معتقد هستید میلیون‌ها نفر در جهان پیرو دارید و بسیاری از رهبران جهان و از جمله رئیس جمهور آمریکا و مقامات این کشور به شما ایمان دارند و جایگاه شما را تقدیس می‌کنند، از آنها بخواهید هزینه‌های جنگی را کنار گذاشته و منابع آن را در راه مبارزه با فقر و نجات انسانها به کار بگیرند!"

﴿پاپ جواب داد: کلیسا در سیاست دخالت نمی‌کند!"

در اینجا کاسترو تیر خلاص را شلیک کرد و خطاب به پاپ گفت: اگر کلیسای کاتولیک با میلیونها نفر پیرو در سیاست دخالت نمی‌کند و کاری به سرنوشت مردم و بلایی که امپریالیسم غرب و سرمایه سالاران بر سر فقرا و کشورهای جهان سوم می‌آورند ندارد، پس چنین کلیسایی یک نقش فانتزی و تشریفاتی دارد و چیزی شبیه تشریفات جشن سال نو و یا هالووین و روز شکرگزاری و امثال آن است و چنین کلیسایی چکار به ایمان من دارد؟! البته که من به چنین کلیسایی ایمان ندارم! زیرا اهل تشریفات و مراسم فانتزی نیستم!"

پس از این ملاقات پاپ ژان پل دوم (پاپ اسبق) در بازگشت به رم خطاب به خبرنگاران گفت: اگر چه کاسترو به کلیسا ایمان ندارد، اما به تصور من از انسان‌های مورد توجه خداوند است!"

منبع: ویژه نامه روزنامه گرانما کوبا

واقعیت تلخ

امروز از خونه زدم بیرون طبق عادت هر روز برا پیاده روی به سمت یکی از محله هایه شهرمون رفتم اسمش B1 بود یکی از دوستان قدیمیم رو اتفاقی دیدیم اون اطلاع داشت که من پروژه ای هستم و بیشتر تو منطقه پارس جنوبی کار میکنم ازش پرسیدم چیکار میکنی گفت خلاف میکنم گفتم منظورت چیه!گفت مواد میفروشم منم با تعجب پرسیدم چرا این کار رو میکنی گفت پولش نرده مته شما نیستم برم غسلویه ۳سال کار کنم ۳سال هم دنبال پولام بدووم الان راحت روزی اینقد بدست میارم شبم میرم تو خونم، بعد از چند دقیقه ازش جدا شدم و بدرود بهش گفتم و به راه خودم ادامه دادم تو رفتن به این فکر افتادم که چقدر میتوته یک اجتماع بیمار باشه وفساد توش پیداد کنه که فروشنده مواد مخدر که باعث مرگ انسان ها هستش در امدش انقد بالا باشه که ماها که تو اجتماع معروفیم به حقوق هایه بالا رو مسخره کنه، فهمیدم اگر پاک کار کنی باید فقیر باشی .
زوبین کارگر پروژه ای

کند یمیزین داغلاریندا

جنت ین اوغلان چاغیدی

اونسوز گنجه ن عومور منه

سانکی زهردی اغیدی

هر قایانین اوز دیلی وار

هر اوره بین اوز ائلی وار

اسیر کولک خوش یئلی وار

ده یسه اوزه قم داغیدی

اورمانلاری خوش تاماشا

کھلیک لری گزیر قوشا

اوردا عومور گنتمز بوشا

داغلار بیزیم گول داغیدی

واگویه های وارتان

ما که برای لقمه ای نان گدایی نمی کنیم....

ما نان تولید می کنیم...

و برای رفاه و آسایش خویش...

فاصله ها پیموده ایم...

و در یک جریان همیشگی تاریخ...

دل به آبادخانه کار سپرده ایم...

مرد زندگی نیستم.....

چرایش را از من نپرس...

نمیدانم چگونه بگویم..

و چگونه افسار شرمندگیهای خویش را بازکشایم؟.....!

نپرس از کسی که سرش پایین است.....

و حرفی برای گفتن ندارد...

و کنایه های همسر خشمگینش....

بر سر او همچون پتکی فریاد میزند....

که چگونه با این همه کار...

عمر خویش به بیگاری داده ای؟!...!

بیا و ببین که چگونه در کارخانجات صنعتی سرزمینمان.....

شادیه‌ها دفن شده اند....

در میان صدای ژنراتورهای برق...

در همگامی با صدای روشن شدن سنگ جتها...

و صدای انفجاری که برای تست لوله های گاز....

گوشه‌ایمان می آزارد.....

و فریاد گوشخراش فورمنی....

که برای آزاد شدن پکیجهایش...

نعره های آشفته میزنند....

و من هم سراسیمه و بی امان....

دل به کار سپرده ام....

و به چکهای طلایی نیز خوشبینم....

که نگاه عبوس و مرموزانه کارفرمایم....

برای پرداخت آن...

این پا و آن پا میکند... و مزد بی منت از من دریغ میدارد..



کاش جامعه ما از چنین مربیان تعلیم و تربیت بیشتر داشت !

"بچه ها یکبار اعتراض کردند، وقتی پالتو هایمان را در راهرو آویزان می کنیم، یک چیزی از جیبمان برداشته می شود. بعد یکی از همکاران مان را موظف کردیم که یک چشم تیزی در این زمینه داشته باشد، بعد نفر را پیدا کرد به همکارمان گفتیم: در این زمینه یک کلام حرف نمیزند." آبروی این بچه نباید برود" و این خلاقی کرده یک کاری می کنیم که دیگر این خلاف را نکند. بدون این که هیچ کس بفهمد نشستیم با او صحبت کردیم، چرا تو از جیب بچه ها چیزی برمی داشتی؟ گفت هرچه به مادرم گفتم نشد، منم لازم داشته ام چیزی را تهیه کنم، گفتم؛ خیلی خب اگر هر وقت هر چیزی احتیاج داشتی، تو بیا پیش من و به من بگو من در اختیار تو میگذارم، خوبه؟؟؟؟ آن کودک نگاهی به من کرد و گفت: باعث زحمت شما همیشه؟ گفت: نه!!! تو پسر من هستی! چه فرقی میکند، تو یک چیزی را لازم داشتی و خانواده ات نمی توانست به تو بدهد. من می توانم به تو بدهم. اما "یک فرار باهم می گذاریم، یک فرار برای تمام عمر" تو سه خط می نویسی که هرگز به مال کسی دست نمی زنی. هیچ کس هم نمی فهمد، من هم این را یک جایی میگذارم که فقط تو بدانی و من، هیچ کس دیگر نداند. نوشتیم و واقعا این را جایی گذاشتیم که هیچ کس آن را نمی دانست. که این تعهد ما نسبت به هم دیگر بود که او اگر به چیزی احتیاج داشت بیاید پیش من و هرگز به هیچ چیزی دست نزنند بعد به او گفتیم: خب میتوانی جبران بکنی بعضی چیزها را بگذاری تو جیب بچه ها؟ گفت: بعضی از چیزها را می توانم بگذارم گفتیم: بگذار و تمام شد. حالا او یک آدم توانا یک آدم خوب است، ما مثلا می دیدم مشکلی برای بچه ها پیش می آمد یک چیزی دستشان میدادند می آوردند جلوی صف به عنوان خلافاکار معرفی شان میکردند.... اصلا و ابدا آبروی هیچ بچه ای نباید برود".

توران میرهادی



روز اول دسامبر بود که رزا پارکز از مادران جنبش مدنی سیاهپوستان، یک تابو را شکست، سال ۱۹۵۵. در سالهای تاریک نژادپرستی و اعمال تحقیر آمیز در ایالات متحد آمریکا، سیاهپوستان حق نداشتند در قسمت جلوی اتوبوس بنشینند و باید پس از پرداخت بلیط از در عقب وارد و عقب اتوبوس می‌نشستند. آن‌ها باید اگر سفیدپوستی سوار اتوبوس می‌شد و صندلی خالی نبود جایشان را به او می‌دادند.

امروز پس از آنکه یک دانش آموز سیاهپوست در مونتگمری در آلاباما، صندلیش را به یک سفیدپوست نداد، رزا همین کار را تکرار کرد، سوار اتوبوسی شد که مسافر چندانی نداشت، او در قسمت جلوی اتوبوس در بخش سفیدپوستان نشست، بعد از مدتی که مسافران بیشتری سوار اتوبوس شدند، برای یک مرد سفیدپوست صندلی خالی وجود نداشت، به رغم اعتراض راننده او از جایش برنخواست و راننده بعد از متوقف کردن اتوبوس با پلیس تماس گرفت و پلیس او را جریمه و انگشت نگاری کرد. انتشار این خبر در میان رسانه‌ها موجب شد سیاهپوستان مدت ۳۸۱ روز اتوبوس‌های شهر را تحریم کنند، درآمد اتوبوسرانی تا ۸۰ درصد کاهش یافت چرا که بیشترین مسافران اتوبوس‌ها سیاهپوست بودند. در نوامبر ۱۹۵۶ سرانجام یکی از دادگاه‌های فدرال آمریکا به لغو جداسازی نژادی رای داد.

شب سردی بود ...

پیرزن بیرون میوه فروشی زُل زده بود به مردمی که میوه می‌خریدند. شاگرد میوه فروش، تُند تُند پاکت‌های میوه را داخل ماشین مشتری‌ها می‌گذاشت و انعام می‌گرفت.

پیرزن با خودش فکر می‌کرد چه می‌شد او هم می‌توانست میوه بخرد و ببرد خانه... رفت نزدیک تر... چشمش افتاد به جعبه چوبی بیرون مغازه که میوه‌های خراب و گندیده داخلش بود. با خودش گفت: «چه خوبه سالم ترها شو ببرم خونه.» می‌توانست قسمت‌های خراب میوه‌ها را جدا کند و بقیه را به بچه‌هایش بدهد... هم اسراف نمی‌شد و هم بچه‌هایش شاد می‌شدند. برق خوشحالی در چشمانش دوید ... دیگر سردش نبود!

پیرزن رفت جلو، نشست پای جعبه میوه. تا دستش را برد داخل جعبه، شاگرد میوه فروش گفت: «دست نزن ننه! بلند شو و برو دنبال کارت!» پیرزن زود بلند شد، خجالت کشید. چند تا از مشتری‌ها نگاهش کردند. صورتش را قرص گرفت... دوباره سردش شد ... راهش را کشید و رفت.

چند قدم بیشتر دور نشده بود که خانمی صدایش زد: «مادر جان، مادر جان!» پیرزن ایستاد، برگشت و به آن زن نگاه کرد. زن لبخندی زد و به او گفت: «اینارو برای شما گرفتم.» سه تا پلاستیک دستش بود، پُر از میوه؛ موز، پرتقال و انار. پیرزن گفت: «دستت درد نکنه، اما من مستحق نیستم.»

زن گفت: «اما من مستحقم مادر. من مستحق داشتن شعور انسان بودن و به هم‌نوع توجه کردن و دوست داشتن همه انسان‌ها و احترام گذاشتن به همه آنها بی‌هیچ توقعی. اگه اینارو نگیری، دلمو شکستی. جون بچه‌هاست بگیر.» زن منتظر جواب پیرزن نماند، میوه‌ها را داد دست پیرزن و سریع دور شد... پیرزن هنوز ایستاده بود و رفتن زن را نگاه می‌کرد. قطره اشکی که در چشمش جمع شده بود، غلتید روی صورتش. دوباره گرمش شده بود... با صدایی لرزان گفت: «پیرشی ننه، پیرشی!... خیر ببینی...»

هیچ ورزشی برای قلب، بهتر از خم شدن و گرفتن دست افتادگان نیست

پیشاپیش یلدای مهربانی که نماد خانواده دوستی و عشق ورزیدن به هم نوع است را شادباش می‌گوییم ♡♡ ...

جولیا از درخت پایین آمد!



جولیا هیل که او را پروانه هم می نامند، فعال محیط زیست است که در اعتراض به طرح کمپانی‌های تولید چوب برای قطع درختان چوب سرخ کالیفرنیا، بیشتر از دو سال بر روی یکی از درختان زندگی کرد و حاضر به پایین آمدن نشد. او یک درخت ۱۵۰۰ ساله به ارتفاع ۵۵ متر را انتخاب کرد و نام آن درخت را لونا گذاشته بود. جولیا مدت ۷۳۸ روز، از تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۷ تا ۱۸ دسامبر ۱۹۹۹ بالای درخت زندگی کرد و جان خودش را با جان لونا پیوند زد، جولیا هیل سرانجام امروز ۱۸ دسامبر با دریافت تعهد مبنی بر عدم قطع درختان، زندگی جنگلی خودش را خاتمه داد و به جامعه بازگشت. او در این مدت به ندرت کف پاهایش را می‌شست چون شیره لونا باعث می‌شد پاهایش بهتر به ساقه‌ها بچسبد. جولیا بوسیله انرژی خورشید باطری تلفن همراهش را شارژ می‌کرد تا با رسانه‌ها مصاحبه کند. سایر فعالین به او غذا می‌رساندند و او بوسیله یک چراغ کوچک آشپزی می‌کرد. جولیا در طی این مدت هوای بسیار سرد زمستان، باران‌های شدید و بادهای تا سرعت ۶۴ کیلومتر و همچنین آزار و اذیت بوسیله پرواز هلیکوپتر بالای سر لونا و محاصره ده روزه توسط یک شرکت خصوصی امنیتی را تجربه کرد.

مبانی اقتصاد سیاسی (۹)

✓ با تکامل افزار کار، بین مردان و زنان، بین جوانان با کودکان و پیران، یک تقسیم کار در کلن (طایفه) به وجود آمد. پس از تقسیم کار در کلن، و از آن زمان به بعد مردان وقت اصلی خود را صرف شکار می کردند، در حالی که زنان، به گرد آوری غذاهای گیاهی می پرداختند و این امر موجب افزایش بازده کار گردید .

✓ در نخستین مرحله جامعه طایفه ای (کلن)، نقش اصلی متعلق به زنان بود. زنان غذاهای گیاهی را جمع آوری کرده و از خانه نگاه داری می کردند .
□◆ کلن (طایفه) مادر سالاری بود .

✓ بعدها که نگهداری چهار پایان و زراعت به عهده مردان محول شد، پدر سالاری جایگزین مادر سالاری گردید و نقش اصلی در کلن به دست مردان

✓ با پیشرفت گله داری و کشاورزی یک تقسیم اجتماعی کار، که در آن بخشی از جامعه در کار کشاورزی و بخش دیگر در گله داری متمرکز شده بود، پدید آمد. جدایی شبنانی از کشاورزی؛ نخستین تقسیم اجتماعی بزرگ کار در تاریخ بود .

□◆ جدایی شبنانی از کشاورزی؛ بازده تولید را افزایش داد .

✓ با جدایی شبنانی از کشاورزی؛ کمون های اولیه دریافتند که بعضی فرآورده ها را خیلی بیش از احتیاج دارند و از برخی فرآورده های دیگر به اندازه کافی ندارند. در نتیجه قبایل شبنان و قبایلی که به کشت زمین می پرداختند آغاز به مبادله فرآورده های خود کردند .

✓ انسان های اعضای کمون، با گذشت زمان رفته رفته با ذوب فلزات مس، قلع و با ساختن کار افزارهای برونزی، با اسلحه و آلات مختلف آشنا شدند .

□ ♦ اختراع کارگاه دست بافی، به منزله تولید منسوجات و پارچه بود .

✓ در این زمان بعضی از اعضای کمون در حرفه و تخصص خود کاملاً تمرکز یافتند و اشیایی که می ساختند به طور روز افزون با فرآورده های دیگر مبادله می شد .

✓ با رشد نیروهای مولد، بازده تولیدی کار انسان و نیروی او در برابر طبیعت به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت و انسان به تامین کامل تر نیازمندی های خود قادر گردید.

✓ با رشد نیروهای مولد، نیروهای مولد نوین جامعه از این پس دیگر نمی توانستند در چهار چوب تنگ روابط تولیدی موجود به راحتی تکامل یابند .

□ ♦ طبیعت محدود نوع مالکیت کمون و تساوی در توزیع فرآورده های کار، تکامل نیروهای مولد را از این پس به تاخیر می انداخت .

✓ کار مشترک بیش از این نمی توانست شکل اصلی کار باشد و نیاز به کار انفرادی پدید آمد . در حالی که برای کار مشترک، مالکیت جمعی وسایل تولید لازم بود، کار انفرادی به مالکیت خصوصی نیاز داشت .

✓ مالکیت خصوصی وسایل تولید و همراه با آن، عدم تساوی اموال، هم بین کلان های مختلف و هم در داخل یک کلان واحد، بین افراد پدیدار شد. اکنون دیگر برخی توانگر شده بودند و برخی دیگر بی چیز.

پیدایش و تکامل حیات (۵)

نگاهی کوتاه به تکامل زمین

✓ در حدود ۵ میلیارد سال پیش، ماده‌ای که در حال حاضر تشکیل دهنده‌ی زمین است در شرایطی قرار داشت که برای پیدایش هسته عناصر رادیواکتیو مناسب بود .

✓ حدود چند میلیون سال بعد، این ماده با پشت سر گذاردن شرایط مختلفی، منجر به تشکیل ابر غول‌آسای در بر گیرنده خورشید گشت، که با سرعت نسبتاً زیاد به تعداد کمی اجرام بزرگ (سیارات) مبدل شد منجمه زمین ما .

✓ تجزیه عناصر رادیواکتیو، با ایجاد حرارت توأم است. حرارت به آسانی از ذرات کوچک به فضا راه می‌یافت اما هنگامی که ذرات مزبور به تشکیل توده‌ی بزرگی مانند زمین همت گمارد، حرارت، در قسمت داخلی آن انباشته شد؛ قسمتی از ماده‌ی داخلی زمین در حدود ۴ میلیارد سال پیش گداخته کرد .

✓ مواد گداخته سبک‌تر پس از مدتی به سطح زمین روی آورد و پوسته زمین را که متشکل از صخره‌ها و مواد معدنی است تشکیل داد. این پوسته، دائماً در تغییر است. لایه‌های بالایی آن به وسیله جویبارها و رودخانه‌های آب شسته و دوباره در قعر دریاها و اقیانوس‌ها ته‌نشین می‌شود. لایه‌های ته‌نشین شده، بر اثر فشار حاصل از وزن خود و آب، فشرده می‌شوند و بر اثر فشارهای درونی زمین چین برمی‌دارند. قسمت‌های جدیدتری از ماده‌ی داخلی همواره به پوسته زمین راه می‌یابد، این مواد یا در درون پوسته به تدریج گرما از دست داده و سرد و سخت (مانند سنگ گرانبخت) می‌شوند و یا این که مستقیماً وارد سطح پوسته‌ی زمین شده و جاری می‌گردند (مانند سنگ بازالت) که تشکیل کوه‌های آتشفشانی را می‌دهند .

✓ مرحله فعلی تکامل زمین را می توان به خوبی مرحله بلوغ آن در نظر گرفت. گذشت چند هزار میلیون سال دیگر موجب سرد شدن قسمت داخلی و رخت بر بستن جوش و خروش از سطح این سیاره خواهد گشت .

✓ دانش بشری، تصویر دیگری را از عمری که زمین بدان دست خواهد یافت، و آنچه که در آینده دور دست بدان شباهت خواهد داشت، ترسیم نموده است. در حال حاضر دانشمندان مشغول تفحص و جستجو در گذشته اند. زیرا این گذشته برای درک وضعیت آینده زمین دارای اهمیت شایان است .

✓ هم اکنون دانشمندان با فرستادن ربات هایی به سوی سیاره ها و قمرهای دور دست منظومه خورشیدی اطلاعات بسیار غنی و گران بهایی از گذشته به دست آورده اند. مانند رباتی که بر سطح قمر سیاره زحل به نام تیتان فرود آمد و عکس هایی از دریای نفت که بر سطح این سیاره جریان دارد به زمین ارسال کرد .

◆ □ هم چنین مریخ نورد کنجاوی که بر سطح کره مریخ با موفقیت فرود آمد عکس های ارزشمندی ارسال کرده، و نیز آزمایش های گوناگونی را در سطح مریخ انجام و به زمین ارسال کرده است. همگی این اطلاعات مربوط به گذشته منظومه خورشیدی و چگونگی تکوین سیارات، قمرها و غیره می باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان ، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشد. به ما بپیوندید



تمامی انسانها فارغ از رنگ، نژاد، مذهب، ملیت و جنسیت دارای حقوق برابر بوده و هیچ فردی بدلیل داشتن این تفاوتها، نباید از داشتن کار و زندگی و رفاه اجتماعی محروم شود.



زمستان صورت پدرم سرخ بود همه گفتن از سرماست
تابستان صورت پدرم سرخ بود همه گفتن از گرماست
هیچکس نگفت سرخی صورت پدرم از سیلی روزگار است